

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات فرایند اجرای پایان‌نامه‌ها^۱

A Phenomenological Approach to Identifying Problems in the Thesis Process

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۳/۴، تاریخ ارزیابی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

 [20.1001.1.25382241.1399.11.22.11.2](https://doi.org/10.1001.1.25382241.1399.11.22.11.2)

Ali Zarei, Dr. Mohammad Javadipour,
Dr. Keyvan Salehi

علی زارعی^۲، دکتر محمد جوادی پور^{۳*}، دکتر کیوان
صالحی^۴

Abstract: The purpose of this study was to represent the lived experiences of faculty members of the Faculty of Psychology and Educational Sciences about the problems of the process of dissertations and dissertations of Tehran University students. The research field was the Faculty of Psychology and Educational Sciences of the University of Tehran and the participants were selected using faculty sampling. The data collection was done using a semi-structured interview technique and reached the theoretical saturation level at the tenth interview, but two additional interviews were conducted to validate the findings and finally the 12th interview was stopped. The collected data were analyzed using the George method. The data analysis resulted in the identification of 7 main themes and 67 subthemes. The most important challenges and problems were the difficulty in choosing the topic, little mastery in the field of research methods and students' problems. The results showed that students face numerous and various problems in the process of their dissertations and dissertations, and these challenges have led to numerous difficulties in this process. To this end, solutions have been proposed for improvement.

Keywords: lived experiences, difficulties, thesis and dissertation, University of Tehran, phenomenological

چکیده: هدف پژوهش حاضر بازنمایی تجارب زیسته استادان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی از مشکلات فرایند اجرای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان دانشگاه تهران است. میدان پژوهش دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران بود و شرکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری ملاکی از بین اعضای هیأت‌علمی انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها با استفاده از فن مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شد و در دهمین مصاحبه به سطح اشباع نظری رسید، اما به منظور اعتباربخشی به یافته‌ها به انجام دو مصاحبه تکمیلی پرداخته شد و در نهایت در دوازدهمین مصاحبه فرایند گردآوری داده‌ها متوقف شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش جیورجی انجام شده است. تحلیل داده‌ها به شناسایی هفت مضمون اصلی و ۶۷ زیرمضمون منتج گردید. مهم‌ترین مشکلات، مشکل در انتخاب موضوع، تسلط اندک به حوزه روش تحقیق و مشکلات دانشجویان بود. نتایج به دست آمده نشان داد که دانشجویان در فرایند اجرای پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایشان با مشکلات متعدد و متنوعی همراه هستند و این چالش‌ها آن‌ها را در انجام این فرایند با مشکلات متعددی همراه نموده است. بدین منظور راهکارهایی برای بهبود ارائه شده است.

کلمات کلیدی: تجارب زیسته، مشکلات، پایان‌نامه و رساله‌ها، دانشگاه تهران، پدیدارشناسی

۱. این مقاله بر اساس یافته‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "واکوی مشکلات فرایند اجرای پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران" تدوین شده است. تاریخ دفاع از پایان‌نامه: ۹۸/۶/۳۰

۲ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه تهران. azarei@ut.ac.ir

۳ دانشیار دانشگاه تهران. javadipour@ut.ac.ir

۴ استادیار دانشگاه تهران. keyvansalehi@ut.ac.ir

آموزش عالی، مظهر رشد و توسعه اطلاعات و دانش و تأمین‌کننده قدرت جوامع در عرصه رقابت جهانی است. انتظار می‌رود مراکز علمی محلّ اندیشه‌ورزی و شاگردپروری فرهیختگان و قلب یک جامعه پویا و زنده باشد (قاسمی و صالحی، ۱۳۹۷). پایه و اساس تولید علم، پژوهش است. از طرفی پژوهش بستر اصلی برای درک عمیق و دقیق از حقایق، تفکر و اندیشه است (دولانی، حسینی‌نسب و نیک نفس، ۱۳۸۸). پژوهش وجه مهمی از فعالیت‌های انسان شده است و دانش بشری به کمک پژوهش رشد می‌کند، گسترش می‌یابد و سرانجام به گسترش مرزهای معرفت و دانش پژوهی می‌انجامد. پیشرفت‌های هر جامعه‌ای در نتیجه پژوهش به دست آمده است. افزون بر آن پژوهش یاری رسان انسان در پیدا کردن راه حل مسأله و حلّ تضادها است (کومار^۱، ۱۳۹۰). همواره پژوهش از راه‌های اصلی پیشرفت و ترقی مادی و معنوی هر کشوری محسوب می‌شوند و بین تحقیقات و میزان پیشرفت رابطه مستقیم وجود دارد. در جهان امروز به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته شاهد هستیم که سیستم‌های آموزشی سعی بر مینا قرار دادن پژوهش برای یادگیری دارند و آموزش نحوه پژوهش را از سال‌های ابتدایی تحصیل ضروری می‌دانند (جلیلی‌نیا، ۱۳۸۹).

دانشگاه‌ها همیشه و در همه جای دنیا مرکز تحول فکری و نوآوری‌های علمی بوده و محلّ برخورد افکار و عقاید هستند و خصوصاً در کشورهایی که به مناسبت فقر عمومی علم و دانش، زمینه قبول افکار تازه علمی کم است، دانشگاه‌ها بایستی نقش مؤثرتری در تحقق بخشیدن به آرمان‌های علمی و فکری برعهده گیرند. به نظر می‌رسد که شخصیت دانشگاه به جنبه پژوهشی آن می‌باشد (صمدزاده، ۱۳۷۹). دانشگاه در تراز جهانی، خاستگاه اندیشه و معنا، نماد تولید و انتقال دانش و کانون نقد روشنگری اجتماعی است. دانشگاهیان در سطح ملی، نقش مؤثری در توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارند و در سطح بین‌المللی نیز، ضمن گسترش مرزهای دانش، به صلح جهانی، بهبود و ارتقای شرایط زیست بشری و ظهور امکانات نهفته انسانی کمک می‌کنند (فراستخواه، ۱۳۸۹). در همین راستا، پژوهش به عنوان زیرمجموعه‌ای از نهاد علم، زیربنای توسعه در عصر اطلاعات و همچنین سنگ بنای اولیه برای توسعه‌یافتگی، خودکفایی و استقلال در عصر حاضر به شمار می‌روند (شریعتمداری، ۱۳۹۰). پژوهش از فرایندها و مهارت‌های مهم و اساسی برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی است و نقش مهمی در بهبود فرایندهای آموزشی و گسترش خدمات علمی در جامعه دارد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۱). پرداختن به پژوهش یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظایف دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی

^۱. Kumar

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

می‌باشد. برای انجام پژوهش در سطح دانشگاه‌ها علاوه بر خود دانشگاه‌ها و استادان، دانشجویان به عنوان ارکان اصلی و بازوی اجرایی و موتور محرکه پژوهش، نقش اصلی را عهده‌دار می‌باشند (مهرعلیزاده و همکاران، ۱۳۹۰). استادان علاوه بر کارهای پژوهشی و آموزشی نقش هدایتگر و مربی و به عبارتی وظیفه تربیت پژوهشگران آینده کشور را نیز انجام می‌دهند. دانشجویان تحصیلات تکمیلی به دلیل این‌که در زمان تحصیل تا حدود زیادی آموزش مبتنی بر پژوهش را پشت سر می‌گذارند (بهزادی و داورپناه، ۱۳۸۸) و از سوی دیگر نیاز به ارائه پایان‌نامه و رساله برای دریافت مدرک تحصیلی خود دارند، به گونه‌ای ژرف‌تر پا به عرصه پژوهشی می‌گذارند و نقش گسترده‌ای در تولید علم و دانش برعهده دارند (فتحی و همکاران، ۱۳۸۹). حجم عمده‌ای از پژوهش‌های دانشگاهی در قالب پایان‌نامه‌ها انجام می‌شوند و بسیاری از مقالات علمی مستخرج از پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها هستند. از این رو، پایان‌نامه‌ها نقش مهمی در تولید دانش جدید دارند. به بیان دیگر، پایان‌نامه نه تنها تمرین پژوهش برای دانشجویان است، بلکه خود یکی از روش‌های تولید دانش جدید محسوب می‌شود (منصوریان، ۱۳۸۸).

پایان‌نامه‌ها به عنوان سطحی از پژوهش‌های دانشگاهی نقش مهمی در تولید دانش و یا بسترسازی برای تولید دانش، کشف افق‌ها و عرصه‌های جدید در دانش بشری دارند. ضمن این‌که پایان‌نامه‌ها می‌توانند در جهت رفع نیازهای پژوهشی جامعه، ابزاری ارزشمند باشند. به همین دلیل پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی از اهمیت خاصی برخوردار است و هر گونه توجه و دقت در امر پایان‌نامه‌نویسی و ارتقای کیفیت آن در آینده تحقیقاتی کشور بسیار مفید خواهد بود.

مدیریت پروژه‌های پایان‌نامه در آموزش عالی، یکی از راهکارها برای مواجه نشدن با چالش‌های پایان‌نامه‌نویسی است (لارسن^۱، ۲۰۲۰). پایان‌نامه‌نویسی از یک جهت، لذت‌بخش‌ترین و از سوی دیگر، یکی از دشوارترین و زمان‌برترین مراحل پایانی دوران تحصیلات تکمیلی است. پس از گذراندن دوره آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، تدوین پایان‌نامه و رساله آخرین بخش دوره تحصیلات تکمیلی است که دانشجو با انتخاب استاد راهنما و استاد مشاور به یک کار علمی و پژوهشی می‌پردازد. این واحد در دوره کارشناسی ارشد ۴ تا ۶ واحد و در دوره دکتری تخصصی تا ۱۸ واحد است. لازمه موفقیت در پروژه پایان‌نامه و رساله، عملی یاد گرفتن درس روش تحقیق در دانشگاه‌هاست. اگر دانشجو کارهای پژوهشی در طی دوران تحصیل انجام ندهد، در فرایند پایان‌نامه‌نویسی با شکست مواجه خواهد شد.

برای دانشجو، پروژه فارغ التحصیلی در اکثر دانشگاه‌ها آخرین مرحله برای فارغ التحصیلی و افزایش فرصت‌های شغلی حرفه‌ای است. غیرمعمول نیست که دانشجویان برای پایان تحصیلات

^۱. Larsson

خود با پایان نامه دست و پنجه نرم می‌کنند و در نتیجه دچار مشکلاتی مانند عدم اتمام مقطع تحصیلی، اتمام پروژه پایان نامه در بدترین حالت ممکن و مسائلی از این دست می‌شوند. این نتیجه نه تنها برای دانشجو یا دانشگاه، بلکه برای کل جامعه نامطلوب است (لارسن^۱؛ ۲۰۲۰). نگارش و دفاع از پایان نامه یکی از شرایط فراغت از تحصیل در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، یعنی مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری است. پایان نامه در واقع گزارشی مفصل از پژوهشی مستقل است که با نظارت استادان راهنما و مشاور، از سوی دانشجو اجرا شده و در نهایت نوشته شده است. از آن جا که معمولاً پایان نامه نخستین کار پژوهشی مفصل و جدی دانشجویان است، اغلب آن‌ها در انجام این کار با مشکلات و دشواری‌هایی مواجه می‌شوند.

پایان نامه در دیکشنری آکسفورد تعریف شده است به عنوان "یک مقاله بلند شامل پژوهش‌های شخصی، نوشته شده توسط کانديد (دانشجو) برای یک مدرک دانشگاهی". پایان نامه می‌تواند برای دوره‌های پیش و پس دانش‌آموختگی باشد. (دیکشنری آکسفورد^۲؛ ۲۰۱۸). نایب پور و بریری (۱۳۸۳) به نقل از یزدان‌پور (۱۳۸۸) پایان نامه را این‌گونه تعریف می‌کنند: «پایان نامه گزارشی است کامل از فرایند یافتن پاسخ یک پرسش یا یافتن راه حل یک مسئله که محقق آن را بر عهده گرفته و به پایان رسانده است، مشروط بر این که همه مراحل پژوهش را از زمانی که به شکل پرسش یا مسئله بوده، تا وقتی که به شکل نتایج مدون و مرتب که با تجزیه و تحلیل اعداد و مستدل شده است را در برگیرد».

گودوین - لی^۳، درباره فرایند پایان‌نامه‌نویسی می‌گوید: "نوشتن پایان نامه را می‌توان یکی از تجربیات استرس‌زا در تجربه‌ی آموزشی دانشجویان دانست. یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهند در شناسایی تجربیات دانشجویان در دوره تحصیلات تکمیلی، اکثر دانشجویان روند پایان‌نامه‌نویسی خود را با این ویژگی‌ها معرفی کرده‌اند: استرس در تمام فرایند انجام پژوهش. این حس که باید به تنهایی این مسیر را بروند، با آن‌ها بوده و گاهی فکر می‌کردند پایان‌نامه‌نویسی مانع بزرگی بر سر راه دانش‌آموختگی آن‌ها است". از نظر گودوین - لی، عدم بررسی این تجربه‌های درک شده در رشته‌های تحصیلی مختلف، شکاف بزرگی در ادبیات آن رشته است (گودوین - لی^۴؛ ۲۰۱۰). مدیریت صحیح انجام فرایند پژوهش، در ایجاد تجربیات مثبت در دانشجویان مؤثر است، اگر به دانشجویان بیاموزیم که چگونه به صورت مؤثر و کارآمد

1. Larsson

2. Oxford Dictionary

3. Goodwin-lee

4. Goodwin-lee

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

پایان‌نامه خود را در طی دو ترم یا کم‌تر مدیریت کنند، آن‌گاه این فرایند به ظاهر، دلپره‌آور نخواهد بود (اوگدن، ۲۰۰۶).

در صورت نیاز یک دانشگاه برای تهیه پایان‌نامه، دانشجو با نظارت استاد راهنمای خود، سرپرستی پایان‌نامه را برعهده می‌گیرد که در خلال آن پروژه خود را هدایت و نظارت می‌کند. طول، عمق و کیفیت پایان‌نامه بر طبق سطح آکادمیک است که در نهایت در قفسه‌های کتابخانه دانشکده بایگانی می‌شود. علاوه بر این، دانشجو موظف است که در یک روز از پروژه خود در مقابل داوران دفاع کند (گرچ، ۲۰۱۸). تهیه پایان‌نامه آخرین بخش دوره کارشناسی ارشد است که طی آن دانشجو موظف است در یک زمینه مربوط به رشته تحصیلی خود زیر نظر استاد راهنما به پژوهش بپردازد (امامی‌مبیدی و کمالی‌دهکردی، ۱۳۸۶). این درس به صورت عملی و تخصصی در ۴ تا ۶ واحد در رشته‌های مختلف طبق مصوبات آموزش، متغیر است.

بدون شک اساسی‌ترین هدف نظام آموزشی، افزایش و تعمیم قدرت تفکر و روحیه علمی در جامعه و ایجاد و تقویت بینش علمی است. هدف آموزش برای تربیت فراگیرانی است که در شناخت جهان و عملکرد خود، روش و بینش علمی را به کار برده و چون دانشمندان بیندیشند و رفتار کنند، نه این‌که به حفظ دستاوردهای علمی اکتفا کنند (کاردان، ۱۳۸۹). اهمیت مضاعف تحصیلات تکمیلی از آن‌جا ناشی می‌شود که به دلیل توأمان ساختن آموزش و پژوهش، منبع مهمی برای تولید دانش^۴ محسوب می‌شود (فتحی‌واجارگاه و همکاران، ۱۳۸۹). علاوه بر این، دوره‌های تحصیلات تکمیلی به ویژه کارشناسی ارشد^۵، مسئولیت تربیت نیروی انسانی متخصص برای تصدی مدیریت نهادهای آموزشی^۶، علمی^۷، اقتصادی^۸ و سیاسی^۹ جامعه را نیز برعهده دارد که تحقق این اهداف اساسی مستلزم کیفی^{۱۰} بودن این دوره‌هاست. یکی از ملاک‌های مهم تولید علم، ارتقای شاخص‌های پژوهش است، اگر چه مقوله پژوهش و حقیقت‌جویی را نمی‌توان به سازمان یا نهاد خاصی محدود کرد، اما همواره بیشترین مسئولیت و مشارکت در تولید علم و پژوهش مربوط به دانشگاه‌ها بوده است (جلیلی‌نیا، ۱۳۸۹).

1. Ogden

2. Grech

3. purpose

4. The production of knowledge

5. Masters

6. Educational

7. Scientific

8. Economical

9. Political

10. Qualitative

0

1. Criterion

1

دانشگاه‌ها به لحاظ آن که مهم‌ترین منبع علم و اندیشه‌اند، بهترین مکان پژوهش به شمار می‌روند (زارعی، ۱۳۹۸). در حال حاضر پروژه‌های مختلف تحقیقاتی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقات خصوصی و دولتی انجام می‌گیرد. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی سهم چشمگیری در اجرای پروژه‌های مذکور دارند. پروژه‌های تحقیقاتی دانشگاه‌ها به دو صورت یا در قالب طرح‌های پژوهشی با فعالیت مستقیم استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها یا در قالب فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی به صورت پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله دکتری و با راهنمایی و نظارت دقیق استادان انجام می‌گیرد. دانشجویان به‌ویژه در دوره کارشناسی ارشد و دکتری، برای خاتمه کار خود لازم است اثری پژوهشی را تهیه کنند و تحویل دهند. این اثر در واقع عصاره و چکیده فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی آن‌ها محسوب می‌شود. پایان‌نامه، به معنای تایید پایانی کار تحصیلی یک دانشجو و بیانگر فعالیت‌های منسجم اوست که با راهنمایی استاد راهنما و استادان مشاور، آن را به پایان می‌رساند. در این که هدف پایان‌نامه چیست نظریه‌های مختلفی ابراز شده است. بعضی‌ها آن را کسب شایستگی پژوهشی^۱ و عده‌ای آن را صرفاً یک کار پژوهشی^۲ و برخی آن را ارتقای سطح دانش^۳ می‌دانند (فدایی عراقی، ۱۳۷۴).

همان‌طور که اشاره گردید، اهمیت توجه به پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی بر کسی پوشیده نیست. پایان‌نامه‌های دانشگاهی همواره از ارکان اساسی در دانشگاه‌ها بوده‌اند و نقش مهمی در کشف افق و عرصه‌های جدید در دانش بشری دارند، اما متأسفانه این رکن بنیادین در عمل با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌روست. پایان‌نامه‌نویسی جنبه‌های گوناگونی را برای دانشجویان در بر خواهد داشت، چرا که معمولاً برای اکثر دانشجویان پایان‌نامه نخستین کار پژوهشی مفصل و با اهمیت در طی دوران تحصیل است و آن‌ها در این مورد تجربه‌ای ندارند و طبیعی است که در این فرایند با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو گردند. در این میان در طی چند سال گذشته که در کشور شاهد افزایش ظرفیت دوره‌های آموزشی و پژوهشی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی هستیم و این افزایش در تعداد و کمیّت پایان‌نامه‌ها به قیمت کم‌رنگ شدن کیفیت پایان‌نامه‌های دانشگاهی تمام شده است. متأسفانه میان حقیقت پژوهش‌های پایان‌نامه‌ای و واقعیت آن در دانشگاه‌های ما فاصله زیادی وجود دارد. البته نباید فراموش کرد که با استناد بر چنین گفته‌هایی نمی‌توان حکم کلی صادر کرد و به همه پایان‌نامه‌ها تعمیم داد، چرا که چنین امری نیازمند پژوهش و بررسی است. باید اشاره شود که مقالات و کتاب‌های متعددی در جهت

1. Research competence

2. Scholarly work

3. Contribution to Knowledge

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

راهنمایی دانشجویان برای تألیف پایان‌نامه، نگارش و یا ترجمه شده است که هر یک از آن‌ها در جای خود از ارزش بالایی برخوردارند، اما شاید عمده‌ترین فقدانی که در زمینه تدوین پایان‌نامه در رشته علوم تربیتی و روان‌شناسی احساس می‌شود، دیدگاه و روند نگارش پایان‌نامه در عمل، توسط دانشجویان است. بنابراین این نیاز احساس می‌شود که دیدگاه‌های استادان در مورد مشکلات و چالش‌های رساله و پایان‌نامه در روند اجرا در دانشگاه تهران مورد بررسی قرار گیرد. پایان‌نامه‌های نوشته‌شده در رشته علوم تربیتی و روان‌شناسی، بخش مهمی از پژوهش‌ها در حیطه علوم تربیتی و روان‌شناسی را تشکیل می‌دهند و شناسایی موانع و مشکلات دانشجویان در تهیه پایان‌نامه، زمینه و بستر برنامه‌ریزی‌های مسئولان برای هموار کردن مسیر پژوهش در رشته علوم تربیتی و روان‌شناسی را فراهم خواهد آورد. با توجه به این‌که تاکنون در داخل کشور پژوهشی برای شناسایی موانع و مشکلات دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم تربیتی و روان‌شناسی در تدوین پایان‌نامه تحصیلی خیلی کم و به ندرت صورت گرفته، این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که دانشجویان دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران در فرایند اجرای پایان‌نامه و رساله‌های خود با چه مشکلاتی همراه هستند.

با توجه به چهارچوب نظری پژوهش نیز می‌توان گفت که با توجه به تفاوت‌های فلسفی - پارادایمی دو روش کمی و کیفی، در بررسی‌های کیفی به جای استفاده از چهارچوب نظری برای تدوین و آزمون فرضیه‌ها، از چهارچوب مفهومی برای استخراج سؤال یا سؤالات پژوهش استفاده می‌شود (مکسول، ۲۰۰۵؛ ریتچه و لوئیس، ۲۰۰۳: ۴۹، به نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۴)

با توجه به مرور پیشینه پژوهش و به رغم یافته‌های به دست آمده تاکنون مطالعه‌ای که به طور جامع بخواهد این عوامل را شناسایی و دسته بندی کند و مبتنی بر آن‌ها راهکار ارائه دهد به دست نیامده است. صفایی‌موحد (۱۳۹۸)، به بررسی شیوه هدایت پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی توسط استادان راهنما در حوزه‌های علوم رفتاری پرداخته است. قاسمی و صالحی (۱۳۹۷)، به واکاوی عوامل درون سازمانی مؤثر بر گرایش به استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه پرداخته‌اند. این پژوهشگران در مطالعه خود ضمن شناسایی پنج دسته اساسی در گرایش دانشجویان به موسسات مقاله‌نویسی، اذعان می‌دارند که رونق یافتن مؤسسات مقاله‌نویسی، نشاط و پویایی مراکز علمی و دانشگاهی را از درون با چالش‌هایی جدی همراه نموده و آنها را در تحقق رسالت‌شان در ارزش‌آفرینی و زمینه‌سازی رفاه و توسعه پایدار و متوازن جامعه، با مشکلات دوچندان مواجه نموده است. در این مطالعه راهکارهای عملی برای جلوگیری

1. Maxwell

2. Ritchie

3. Lewis

از رونق یافتن این موسسات ارائه شده است. صفایی موحد (۱۳۹۰)، به بررسی هنجارهای تصریح نشده‌ای که دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های علوم ریاضی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران در انتخاب استاد راهنما مد نظر قرار می‌دهند را مورد واکاوی قرار داده است. پورنقی و خسروی (۱۳۹۷)، به بررسی سرقت علمی دانشجویان و یا اعمال غیرقانونی در زمینه‌های علمی با استفاده از ابزار پرسشنامه پرداخته است. در مطالعات خارج از کشور نیز به این نتیجه رسیدیم که مسئله پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها بعد جهانی دارد، چنانچه در مطالعه لارسن^۱ (۲۰۲۰)، به مسئله مدیریت منابع در آموزش عالی، به ویژه نظارت بر پایان‌نامه پرداخته است. در این رساله سه جنبه از مشکل کلی مطرح شده است: یک مشکل عملی در رابطه با پایان‌نامه‌های زیادی که ناتمام مانده‌اند یا به موقع کامل نشده‌اند. مشکل عملی دیگر افزایش تقاضا است که با افزایش منابع در مقیاس بزرگ قابل مقایسه همراه نیست. جنبه سوم این مسئله عدم دانش در درک عوامل مؤثر در روند پایان‌نامه است که منجر به ترک تحصیل یا تأخیر می‌شود. دو سؤال پژوهش این مسئله را بررسی می‌کند که چه عواملی در اتمام یا عدم تکمیل پایان‌نامه مؤثر است که می‌تواند برای مدیریت مفید باشد، ثانیاً، چه اصول مدیریتی می‌تواند برای تأمین کیفیت در آموزش عالی مفید باشد. این سؤالات از طریق چندین مطالعه که از روش‌های ترکیبی و فنون تحلیل یادگیری استفاده می‌کنند، شامل داده کاوی و استفاده از آمار و الگوریتم‌های یادگیری ماشینی است. در مجموع، بیش از ۳۰۰۰ پروژه پایان‌نامه مورد مطالعه قرار گرفته است. این پایان‌نامه با درک بهتر عواملی که بر تکمیل و عدم تکمیل پروژه‌های پایان‌نامه تأثیر می‌گذارد، رهنمودهای مدیریتی برای فرآیند پایان‌نامه و یک رویکرد روش‌شناختی جدید با استفاده از تحلیل یادگیری و یادگیری ماشین برای پشتیبانی از تصمیم‌گیری مبتنی بر داده در مورد فرایندهای پایان‌نامه، کمک می‌کند. نیسرینا^۲ (۲۰۲۰) در پژوهش خود به مشکلات دانشجویان در نوشتن پایان‌نامه پرداخت. دانشجویان شدن برای دانشجویان چالش برانگیز است. دانشجویان برای به پایان رساندن پایان‌نامه خود با مشکلاتی روبرو خواهند شد، از جمله مشکلات در ملاقات استاد راهنما، روش نوشتن پایان‌نامه و چندین مشکل غیردانشگاهی دیگر. علاوه بر این، دانشجویان باید ذهنیت بالایی داشته باشند تا با این مشکلات روبرو نشوند. دانشجویان در اتمام پایان‌نامه دو نوع مشکل دارند. مشکلات آکادمیک و مشکلات غیرآکادمیک در فرآیند پایان‌نامه‌نویسی وجود دارد. این پژوهش دارای دو مشکل تحقیقاتی است: (۱) دانشجویان در نوشتن پایان‌نامه با چه مشکلاتی روبرو هستند؟ (۲) چگونه دانشجویان مشکلات را حل می‌کنند؟ این پژوهش داده‌های توصیفی نوشتاری

1. Larsson

2. Nisrina

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

یا داده‌های شفاهی را از افراد تحقیق مشاهده شده تولید می‌کند. این مطالعه دانشجویان را که در مرحله نوشتن پایان‌نامه هستند انتخاب کرد. بر اساس نتایج مصاحبه‌ها، پژوهشگر دریافت که دانشجویان دانشگاه در تکمیل پایان‌نامه با دو نوع مشکل روبرو هستند که این‌ها شامل مشکلات دانشگاهی و غیرآکادمیک است. مشکلات تحصیلی دانشجویان شامل: (۱) مشکلات واژگان، و (۲) مشکلات دستوری. در حالی که دانشجویان با این مشکلات غیرآکادمیک روبرو هستند: (۱) مشکلات مشاور رساله. (۲) مشکلات مدیریت زمان. (۳) مشکلات خانوادگی. و (۵) تنبلی. علاوه بر این، روش‌هایی وجود داشت که دانشجویان برای حل هر یک از مشکلات خود استفاده می‌کردند. در حل مشکلات تحصیلی، دانشجویان انجام دادند: (۱) مطالعه سخت‌تر، و (۲) درخواست کمک از دوستان. در حالی که برای حل مشکلات غیر دانشگاهی، دانشجویان انجام دادند: (۱) انتخاب مورد مهم‌تر، (۲) شروع به فعالیت، و (۳) مطالعه و تلاش بیشتر. در ادامه آکیرک^۱ و آفاکن^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی به شناسایی مشکلات در فرایند پژوهش علمی در تحصیلات تکمیلی: مؤسسه علوم تربیتی در کشور ترکیه پرداخته‌اند. این مطالعه به منظور تعیین مشکلات دانشجویان فارغ‌التحصیل در هنگام انجام پژوهش‌های علمی و ارائه پیشنهادات برای حل این مشکلات انجام شد. کومبا سوتکو کلایدیس^۳ (۲۰۱۵) در پژوهشی به چالش‌های نوشتن پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی در موسسات آموزشی عالی تانزلیا پرداخته‌اند. در این پروژه که با استفاده از تحقیقات کتابخانه‌ای صورت گرفته است، در مجموع ۱۰۳ گزاره تحقیق که شامل ۳۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۶۴ رساله دکتری از ۳ دانشگاه مختلف در تانزلیا مورد بررسی قرار گرفته است. آگوستسن و جالدمارک^۴ (۲۰۱۳)، به نظارت آنلاین یعنی نظریه‌ای در نفوذ ارتباطات استراتژیک استادان راهنما در پایان‌نامه‌های دانشجویی پرداختند. همچنین به بررسی ارتباطات آنلاین استادان راهنما با دانشجویان کارشناسی می‌پردازد. مطالعات انجام شده در این زمینه بیش‌تر مبتنی بر نگاه پوزیتویستی و کمی بوده و کم‌تر نگاه‌های جامع و ژرف‌انگر را داشته است، از طرف دیگر کم‌تر مبتنی بر نظرهای استادان انجام شده و بیشتر مبتنی بر مطالعات اسنادی مورد بررسی واقع شده است. در این پژوهش تلاش داریم با معناکاوای در تجربه زیسته استادان و با رویکردی ژرف‌انگر و اکتشافی تمامی عوامل مؤثر و مرتبط با شکل‌گیری و تشدید این مسئله را شناسایی و بازنمایی کنیم، بنابراین سؤال

1. Erkan Akyurek

2. Ozlem Afacan

3. Komba, Sctco Claudius

4. Augustsson & Jaldmark

اصلی در این پژوهش این است که از نظر اعضای هیات علمی مهم‌ترین مشکلاتی که دانشجویان در فرایند انجام پایان‌نامه دارند، چیست؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر مبنای پارادایم تفسیرگرایانه، رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی از نوع توصیفی صورت گرفته است. میدان پژوهش، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران بود که در این میدان، مشارکت‌کنندگان استادان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران بودند. انتخاب مشارکت‌کنندگان بر اساس نمونه‌گیری هدفمند^۱ از نوع ملاکی انجام شد. ملاک‌ها برای انتخاب استادان این بود که بیش از ۵ سال سابقه تدریس در دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران داشته باشند، با روش پژوهش آشنا باشند، با تعداد زیادی از دانشجویان تعامل داشته باشند، بیش از ۲۰ پایان‌نامه و رساله با دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری داشته باشند و در انتها داده‌های جامع و مانعی در اختیار ما قرار دهند. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته^۲ با تأکید بر رویکرد اکتشافی (ابوالمعالی، ۱۳۹۱) و به شکل فردی گردآوری شد و با رسیدن به اشباع نظری داده، به پایان رسید.

بدین صورت که در گام اول، پروتکل مصاحبه تدوین و نهایی گردید. در پژوهش‌های کیفی، حجم نمونه بر اساس قاعده اشباع نظری تعیین می‌شود (بازرگان، ۱۳۹۸)؛ به باور هنیک، کیزر و مرکونی^۳ (۲۰۱۶)، دو نوع اشباع نظری شامل اشباع کدها و اشباع معنی^۴ وجود دارد. در این مطالعه اشباع نظری داده‌ها مبتنی بر اشباع معنی^۵ بدست آمد. از آنجائی که در این مطالعه طبق توصیه مورس^۶ (۲۹۱۵)، به منظور ارتقای اشباع معنی از راهبردهایی نظیر درگیری طولانی‌مدت در مطالعه^۷، مشاهدات مستمر^۸، توصیف غنی و جامع^۹، تحلیل موارد منفی^{۱۰}، مرور متخصصان^{۱۱}، شناسایی و کنترل سوگیری‌های احتمالی پژوهشگران^{۱۲}، مرور مشارکت‌کنندگان و مخاطبان

1. Stratified purposeful

2. Semi-structured interviews

3. Hennink, Kaiser, and Marconi

4. code saturation and meaning saturation

5. meaning saturation

6Morse

7prolonged engagement

8persistent observation

9Thick and rich description

10negative case analysis

11peer review or debriefing

12clarifying researcher bias

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

بیرونی^۱ استفاده شد، می‌توان اشباع نظری بدست‌آمده را مناسب و معتبر فرض نمود. از سوی دیگر با توجه به محدودیت محیط دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، در دهمین مصاحبه، اشباع نظری بدست آمد اما به منظور اطمینان، دو مصاحبه دیگر هم در دستور کار قرار گرفت.

با توجه به نوع روش پژوهش و نوع طرح مطالعه، استفاده از روش جیورجی برای تحلیل داده‌ها مناسب بود (حسنوند، شیرین، ۱۳۹۴؛ جانجانی، پریسا، ۱۳۹۸؛ ذوالعدل، محمد، ۱۳۸۵). در این روش ۵ مرحله‌ای (جیورجی،^۲ ۱۹۸۹)، در گام نخست مصاحبه‌ها با کسب اجازه از اطلاع‌رسان‌ها با استفاده از نرم افزار Voice Memos ضبط شدند و در پروتکل اخلاقی، مواردی مدنظر قرار گرفت، از جمله به اطلاع‌رسان‌ها اطلاع داده شد که اطلاعات آن‌ها به هیچ وجه فاش نخواهد شد، کاملاً داده‌های آن‌ها به شکل محرمانه خواهد بود، بدون ذکر نام آن‌ها و یافته‌ها بعداً به سمع و نظر اطلاع‌رسان‌ها رسانده شد و تأیید آن‌ها گرفته شد. به منظور آشنا شدن پژوهشگر با مصاحبه‌ها، چند مرتبه مصاحبه‌ها توسط نویسنده اول مقاله مرور گردید، سپس گام دوم در تحلیل داده‌ها، مطالعه کلی توصیف به منظور دستیابی به حس کلی از متن مصاحبه بود. در این مرحله کل متن مصاحبه‌ها مورد مطالعه قرار گرفت. گام سوم تفکیک واحدها نام دارد. برآیند نهایی تحلیل پدیدارشناسی، تعیین معانی تجربه است. پژوهشگر متن مصاحبه‌ها را به آن‌چه که جیورجی آن را واحدهای معنا یا تمایز معنا می‌نامد، تغییر داد تا روابط معنی‌داری که هر مصاحبه با موضوع مصاحبه دارد، مشخص شود. گام چهارم تبدیل واحدهای معنایی به عبارات توصیفی از طریق تقلیل داده‌ها یا تبدیل واحدهای معنایی به عبارات مهم روان‌شناختی بود که جملات مهم و نکات کلیدی مشخص شده و طبقه‌بندی و مقوله‌بندی اولیه صورت گرفت. گام نهایی تحلیل داده‌ها، پژوهشگر ساختارهای خاص شناسایی شده در مرحله قبل را مورد بازاندیشی قرار داد. اختلافات موجود در تجارب افراد حذف شده و تنها بر ابعاد مشترک تجارب کلیه مشارکت‌کنندگان تمرکز شده و تحلیل ترکیبی صورت گرفت. طبقه‌بندی مضمون‌ها و زیر مضمون‌ها به صورت دقیق و بر اساس هدف پژوهش، مشخص و تنظیم شدند. جهت بررسی شیوه اعتباردهی به یافته‌ها که معادل روایی^۳ و پایایی^۴ در پژوهش‌های کمی است، در پژوهش حاضر از ۴ ملاک بازنگری ناظران^۵ و استفاده از نظرهای تکمیلی همکاران^۶ استفاده شد به گونه‌ای که در

1 member checking; external audits

2 Giorgi

3. Validity

4. Reliability

5. Peer check

6. Peer debriefing

روند پژوهش از نظرات استادان راهنما و مشاور و همچنین استادان تیم داوری در جلسه دفاع از پایان نامه بهره گرفته شد، جستجوی شواهد مغایر و تحلیل موارد منفی^۱ که هر زمان مضمونی شکل می گرفت، سعی می شد تا به منظور تحکیم آن شواهدی که موجب ردّ مضمون مذکور می شد مورد جست و جو قرار گیرد، مرور دست نوشته ها، مضامین و نتایج از جانب مشارکت کنندگان در پژوهش^۲ که مصاحبه ها به دو نفر از اساتید سپرده شد تا مصاحبه ها را دوباره کدگذاری کنند و مصاحبه های مداوم و ارتباط مستمر با اطلاع رسانی ها در طول زمان^۳ حاصل شد، بدین صورت که پژوهشگر، در میدان پژوهش حاضر بود و اگر نیاز به مصاحبه مجدد بود، با کسب اجازه دوباره مصاحبه انجام می گرفت.

جدول ۱: ویژگی اعضای هیأت علمی مورد مطالعه

کد ها	جنسیت	گروه آموزشی	سابقه تدریس در دانشگاه
۱	مرد	روش ها و برنامه های آموزشی و درسی	بالای ۲۰ سال
۲	زن	روش ها و برنامه های آموزشی و درسی	۱۸ سال
۳	مرد	روش ها و برنامه های آموزشی و درسی	۵ سال
۴	زن	فلسفه تعلیم و تربیت	۱۰ سال
۵	مرد	روش ها و برنامه های آموزشی و درسی	بیش از ۴۰ سال
۶	زن	فلسفه تعلیم و تربیت	۲۷ سال
۷	مرد	روش ها و برنامه های آموزشی و درسی	۹ سال
۸	مرد	فلسفه تعلیم و تربیت	۱۰ سال
۹	زن	مدیریت آموزشی	۸ سال
۱۰	مرد	مدیریت آموزشی	۱۳ سال

1. Searching for opposite evidences and negative case analysis

2. Member check

3. Prolonged Engagement

یافته‌ها

با توجه به سؤال پژوهش حاضر که واکاوی و احصاء نظرات استادان از مشکلات دانشجویان در فرایند انجام پایان‌نامه‌نویسی بود، منتج به شناسایی مضامین اصلی مشکل در انتخاب موضوع، عدم تسلط به حوزه روش تحقیق، انقطاع مباحث نظری از مباحث عملی، مشکلات دانشجوی، مشکلات استادان، قوانین و مقررات و مشکلات سازمان‌ها شد.

جدول ۲: نمونه‌ای از فرایند رسیدن به مضامین بر اساس بخشی از مصاحبه‌ها

مضمون	زیرمضامین	مفاهیم
مشکل در انتخاب موضوع	مشکلات در روند اجرا	سوال: دانشجویانی که برای دفاع از پایان‌نامه پیش شما می‌آیند، با چه مشکلاتی در روند اجرای پایان‌نامه مواجه‌اند؟
	مشکلات در زمان	در پایان‌نامه زمانی که ما با دانشجو کار می‌کنیم مسئله اول در روند و فرایند کار این هستش که یک مقدار مشکل شاید به این قضیه برمی‌گردد که دانشجو و استاد فرصت کافی را
	مشکلات در شناسایی موضوعات	در رابطه با این که می‌خواهند روی چه موضوعی کار بکنند، شروعش و تا انتهایش می‌خواهد چقدر زمان ببرد، در این زمان چه کارهایی می‌خواهد صورت بگیرد، وظیفه دانشجو چیست؟ وظیفه استاد راهنما چیست؟ این روشن نبودن خودش یکسری مشکلات را ایجاد می‌کند. اگر در واقع من مثلاً مواجه شده‌ام با دانشجویی که ۴ ترم است دارد روی یک موضوع کار می‌کند و این به عنوان یک مشکل است، برای این که از نظر من دانشجو می‌توانست در یک ترم یا دو ترم هم این کار را جمع بکند، این مشکل به چه برمی‌گردد؟ شاید زمانی که من ابتدا با دانشجو روی یک کاغذی
	مشکلات در روشن نبودن وظایف	برمی‌گردد که دانشجو و استاد فرصت کافی را در رابطه با این که می‌خواهند روی چه موضوعی کار بکنند، شروعش و تا انتهایش می‌خواهد چقدر زمان ببرد، در این زمان چه کارهایی می‌خواهد صورت بگیرد، وظیفه دانشجو چیست؟ وظیفه استاد راهنما چیست؟ این روشن نبودن خودش یکسری مشکلات را ایجاد می‌کند. اگر در واقع من مثلاً مواجه شده‌ام با دانشجویی که ۴ ترم است دارد روی یک موضوع کار می‌کند و این به عنوان یک مشکل است، برای این که از نظر من دانشجو می‌توانست در یک ترم یا دو ترم هم این کار را جمع بکند، این مشکل به چه برمی‌گردد؟ شاید زمانی که من ابتدا با دانشجو روی یک کاغذی
	عدم تمرکز بر موضوع	روشن نبودن خودش یکسری مشکلات را ایجاد می‌کند. اگر در واقع من مثلاً مواجه شده‌ام با دانشجویی که ۴ ترم است دارد روی یک موضوع کار می‌کند و این به عنوان یک مشکل است، برای این که از نظر من دانشجو می‌توانست در یک ترم یا دو ترم هم این کار را جمع بکند، این مشکل به چه برمی‌گردد؟ شاید زمانی که من ابتدا با دانشجو روی یک کاغذی
	عدم شناسایی جامعه مخاطب	روشن نبودن خودش یکسری مشکلات را ایجاد می‌کند. اگر در واقع من مثلاً مواجه شده‌ام با دانشجویی که ۴ ترم است دارد روی یک موضوع کار می‌کند و این به عنوان یک مشکل است، برای این که از نظر من دانشجو می‌توانست در یک ترم یا دو ترم هم این کار را جمع بکند، این مشکل به چه برمی‌گردد؟ شاید زمانی که من ابتدا با دانشجو روی یک کاغذی

		<p>قید کنم که قراره چه کاری را باید انجام دهی و این کار را در چه زمانی انجام دهی، خود به خود یک مشکل حل و یا حداقل کم شود.</p> <p>مسئله دیگر این است که زمانی که با دانشجویان داریم کار می‌کنیم برای دانشجوی روشن نیست که جمع‌آوری داده‌هایش را از کجا و چه جوری باید انجام دهد؟</p>
--	--	--

مضامین شناسایی شده مذکور با ذکر اطلاع‌رسان‌های پژوهش به شرح ذیل می‌باشند:

۱- مشکل در انتخاب موضوع: معمولاً نخستین مشکلی که دانشجویان در خصوص اجرای پایان‌نامه با آن مواجه می‌شوند، انتخاب موضوع پژوهش است (منصوریان، ۱۳۸۸). دانشجویانی که در مورد پایان‌نامه مراجعه می‌کنند افرادی هستند که در آستانه انتخاب موضوع هستند اما خیلی ادراک و تصور دقیقی از موضوع و کاری که می‌خواهند انجام بدهند را ندارند. یعنی:

۱-۱- مهارت نداشتن در نوشتن پروپوزال: اطلاع‌رسان‌های شماره ۱ و ۳ خاطر نشان می‌سازند: وقتی که دانشجویها دوران درس‌شان تمام می‌شود، آن‌قدر آمادگی پیدا نکرده‌اند در مباحث نظری که در مورد تحقیق، روش تحقیق و آمار خوانده‌اند، آن‌ها را برای نوشتن پروپوزال و تبدیل آن به یک فرایند پایان‌نامه‌نویسی آماده نمی‌کنند.

۱-۲- آشنایی ناکافی با جغرافیای نظری: اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۲ و ۴ می‌گویند: مهم‌ترین مشکلی که دانشجویان دارند، نه دانشجویهای گروه ما، کلیه دانشجویان دارند، بحثشون این هست که عموماً با جغرافیای نظری رشته خودشون خیلی آشنا نیستند و این خیلی کار رو سخت می‌کنه، چون معمولاً یک موضوعی رو انتخاب می‌کنند که بستر دانشی دقیقی نداره و وقتی می‌خوان وارد کار بشن و با چالش‌های جدی مواجه می‌شوند.

۱-۳- تسلط نداشتن به موضوع: اطلاع‌رسان‌های شماره ۲ و ۳ بیان می‌کنند: یک مسئله دیگر در این زمینه اینه که دانشجو در انتخاب موضوعش با مشکل مواجه می‌شود، یعنی موضوعی را انتخاب می‌کند که زیاد در آن تسلط ندارد، لذا نمی‌تواند داده جمع بکند و کار خوبی را ارائه نمی‌دهد. این هم از بابت دانشجو مشکل است و هم از بابت استاد. زمانی که دانشجو مراجعه می‌کند به من استاد، من می‌گویم که چرا می‌خواهی این کار رو ایجاد کنی؟ تا حالا چند تا مقاله

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

در این زمینه خواننده‌ای؟ به چه نتایجی رسیدی؟ خودت فکر می‌کنی این کارهایی که انجام شده است را می‌خواستی انجام بدهی چه اتفاقاتی می‌افتاد؟ یعنی دانشجو آگاهی اولیه را داشته باشد که بداند می‌خواهد چه کار بکند؟ و دانشجویان خیلی از مواقع با آن قواعد و ضوابط آشنا نیستند، عدم آشنایی با قواعد و ضوابط باعث می‌شود که خیلی جاها دانشجو با مشکل مواجه می‌شود و استاد را هم با مشکل مواجه می‌کند.

۴-۱- تناسب ناچیز موضوع با علایق و توانایی: اطلاع‌رسان شماره ۳ می‌گوید: باید عنوانی را که از آن استفاده می‌کنید با توانایی شما، با علایق شما، با اطلاعات از پیش تعیین شده شما تناسب داشته باشد یعنی تناسب با علایق دانشجو، تناسب با پیشینه مطالعاتی دانشجو، تناسب کافی با توانایی‌های دانشجو.

۵-۱- نامتناسب بودن موضوع پایان‌نامه با توانمندی استادان: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳ و ۷ خاطر نشان می‌سازند: تناسب پایان‌نامه با توانمندی‌های استاد راهنما و مشاور، چرا که استاد راهنماهای ناتوان، دانشجو را در چاه می‌اندازند.

۶-۱- فرایند آموزش: اطلاع‌رسان‌های شماره ۶ و ۷ خاطر نشان می‌سازند: شاید فرایند آموزش ما جووری هستش که بچه‌های ما مسأله پیدا نمی‌کنند. خیلی از دانشجویان به ما می‌گن موضوع رو شما به ما بدین، می‌گم مگه می‌شه؟ من موضوع به شما بدم. من می‌تونم در ایده‌یابی کمکت کنم، اما موضوع را شما پیدا کن و موضوع هم همین جووری نیست؛ موضوع باید مسأله تو باشد. یعنی شما دو سال اومدی این‌جا واحد گذراندی، مسأله پیدا نکردی؟ لذا وقتی دانشجو مسأله‌ای برایش ایجاد نمی‌شه، بعد میاد یک چیزی رو تصنعی انتخاب می‌کنه یا مثلاً یک استاد بهش می‌ده، بعد یک چیز تصنعی می‌شه که وقتی ابتدای کار خراب شد، تا انتها خرابِ دیگه. وقتی شما مثلاً خودت مسئله داشتی، اومدی با مسأله سراغ استادت، اما وقتی دانشجو مسأله نداره، موضوع را باید استاد بهش بده و طبیعتاً انگیزه هم نداره، طبیعتاً جدیت لازم رو نداره، دنبال یک چیزی است که ظاهر کار تمام شود، لذا پژوهش به صورت معناداری شکل نمی‌گیرد. این یک بخشی از قضیه است.

۷-۱- دیر انتخاب کردن: اطلاع‌رسان‌های شماره ۱ و ۵ خاطر نشان می‌سازند: پایان‌نامه باید در یک زمان خاصی شروع شود و با طیب خاطر بدون این‌که تحت تأثیر این فشارهای سنواتی و چیزهای دیگر باشد، بتونه کار انجام بگیرد و به پایان برسد. به همین دلیل مواردی اتفاق می‌افتد که شما می‌بینید پایان‌ترم به تراکم عظیمی از دفاع پایان‌نامه‌هایی هست که مثل غذای کاملاً پخته و نپخته همین جووری میاد و به سرعت دفاع می‌شود و می‌رود و از کیفیت کار می‌کاهد.

۸-۱- **اجرائی (عملی) نبودن موضوع:** اطلاع‌رسان‌های ۵ و ۶ خاطر نشان می‌کنند: مسئله دیگر در انتخاب موضوع، به عملی بودن اون کار پژوهش باید توجه بشود، هر کار زیبایی؛ شما طراحت خوب باشه وقتی قابل پیاده کردن نیست، در عمل مواجه می‌شوید با مشکلات. ما باید ببینیم که این موضوعی که انتخاب کردیم، جامعه آماری که انتخاب کردیم، در عمل چگونه با ما همراهی می‌کند. گروهی از افراد هستند که واقعاً وقتی بری سراغشون و بری مصاحبه کنی یا پرسشنامه، همکاری‌شون با تو خوب نیست. از جمله این‌ها پزشکان هستند، تجربه به من ثابت کرده است وقتی که شما پژوهشی را با پزشکان به‌عنوان مخاطبین شما، به‌عنوان افراد جامعه شما، انجام می‌دهید، مواجه می‌شوید با سختی جمع‌آوری داده‌ها، وقتی هم نتوانید در عمل داده جمع کنید، بنابراین کار پایان‌نامه لنگ می‌شود یا شما با اطلاعات ناقص مجبور به جمع‌آوری پایان‌نامه‌ها و تحلیل داده‌ها می‌شوید که اون جامعیت کامل را نخواهد داشت، چون پزشکان شخصیتشون طوری است که سرشان شلوغ است.

۲- **تسلط ناکافی به حوزه روش تحقیق:** مسئله دیگر این است که دانشجویان روش تحقیق را خوب بلد نیستند و نمی‌توانند گام‌ها را به درستی جلو ببرند، اطلاع‌رسان شماره ۳ می‌گوید: این باعث می‌شود که من استاد راهنما، اول باید یک روش تحقیق را برای او توضیح دهم، بعد بگویم برو این کار رو بکن و این بسیار زمانبره.

۲-۱- **فقر میزان واحدهای روش‌شناسی:** اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۲، ۳ و ۵ خاطر نشان می‌سازند: تحصیلات تکمیلی در واقع یعنی پرورش پژوهشگر در آن حوزه خاص. پس باید علاوه بر موضوع، روش‌شناسی را یاد بدهیم، پس فقر میزان واحدهای روش‌شناسی یکی از موارد است.

۲-۲- **کیفیت پائین کلاس‌های روش پژوهش:** اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۳، ۷ و ۸ خاطر نشان می‌سازند: به چند دلیل کلاس‌های روش پژوهش، کیفیت کافی را ندارد:

- ۱- به اندازه کافی استاد و متخصص در حوزه تدریس روش‌های تحقیق وجود ندارد.
- ۲- برخی مدرسان بدون این‌که صلاحیت کافی برای تدریس این درس را داشته باشند، آن را به عهده می‌گیرند.
- ۳- یا استاد به دلیل این‌که واحد، واحد کمی است، فرصت کافی برای انتقال تمام محتوا را ندارد.
- ۴- اغلب کلاس‌های برگزار شده با رویکرد اثبات‌گرایانه و کمی برگزار می‌شود و این روش‌ها کم‌ترین تناسب را با انسان و علوم انسانی برخوردارند و به افت کیفیت این دروس دامن می‌زند.

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

۵- نظام ارزشیابی استادان در دروس روش تحقیق به گونه‌ای است که فرصت کافی به مدرسان برای اعطای پروژه عملی به دانشجویان و در نتیجه ارتقای کیفیت یادگیری دانشجویان شکل نمی‌گیرد و استادان این دروس مجبورند به دلیل غلبه نگاه مکانیستی در آموزش، بعد از بازه ۱۴ روزه نمرات دانشجویان را اعلام کنند و این امر زمینه‌ای می‌گردد تا این دروس بسیار مهم، به صورت نظری و غیرکاربردی برگزار شود.

۶- کیفیت پایین روش‌های پژوهشی مورد استفاده می‌تواند یکی از دلایل مشکلات باشد و می‌تواند انگیزه دانشجو را کم کند و افت انگیزه باعث می‌شود به سختی کار انجام شود. اطلاع‌رسان شماره ۶ می‌گوید: بعضی اوقات تناسب نداشتن روش پژوهش با توانایی دانشجویان این مشکلات را به وجود می‌آورد و گاهی اوقات تناسب نداشتن روش پژوهش با تخصص استاد راهنما و مشاور به مشکلات دامن می‌زند.

۳-۲- **آشنایی اندک با اصول روش پژوهش:** اطلاع‌رسان‌های شماره ۱ و ۳ و ۸ می‌گویند: بعضی دانشجویان، دانشجویانی هستند که در واقع مؤلفه‌های اولیه پژوهش را نگذرانده‌اند، استاد مجبور می‌شود بخش زیادی از زمان را به آن اختصاص دهد و عملاً از انتقال دادن آن مطالب و محتوا و ایجاد توانمندی و یا زمینه‌سازی ایجاد آن توانمندی، دانشجویان محروم می‌شوند.

۴-۲- **نگاه ابزاری به روش تحقیق:** اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۳ و ۷ می‌گویند: ... در حقیقت به حوزه روش تحقیق تسلط نداشتن بچه‌ها. شاید خیلی از دوستان درس روش تحقیق رو گذروندن، نمره‌های خوبی هم گرفتن، ولی نگاهی که به روش تحقیق دارن یه نگاه ابزاریه، فکر می‌کنن این روش‌های مختلف تحقیق یه جعبه ابزاریه از توش یکی درمیاریم اون مسئله‌ای که مهندسی کردیم رو باهاش درحقیقت تعمیم می‌کنیم، اجراش می‌کنیم و غیره، در حالی که پژوهش یک نوع منش می‌خواد، یعنی شما در حقیقت همینجور که می‌گم مسئله رو باید با گوشت و پوست و خونت درک کرده باشی، باید روش تحقیق‌ها هم درک کرده باشی. مثلاً می‌گن پدیدارشناسی انجام می‌دیم یا می‌گن مثلاً پیمایش انجام می‌دیم یا فلان انجام می‌دیم، بعد خُب ما می‌گیم که چرا این روش و این چرایی‌ها رو با پاسخ‌های مبهم جواب می‌دن، بینین اینم از همون مرحله قبلی برمی‌گرده، چون مسئله درست براشون حلاجی نشده و مهندسی شده و روش‌ها هم صرفاً طوطی‌وار یاد گرفتن، پس بنابراین این دو تا باز با هم دیگه می‌چ نمی‌شه.

۵-۲- **نظری بودن واحدهای درس روش تحقیق:** اطلاع‌رسان‌های شماره ۳ و ۵ بیان می‌کنند: اگر در روش تحقیق، دانشجو وادار بشود با انواع مختلف پژوهش‌ها، شیوه پروپوزال‌نویسی و کارهای متعاقب اون آشنایی پیدا کنه، طبیعتاً بعد از گذراندن این درس باید

آمادگی پیدا بکند که یک موضوع و مشکلی را پیدا بکند و به دنبال راه حل اون برود. این اساسی‌ترین نکته‌ای است که باید به آن توجه کرد. یعنی دانشجو را باید در روش تحقیق وادار به کار کرد و درگیر کار طراحی طرح تحقیق نمود و وقتی دانشجو این فرایند را بگذراند، می‌ماند پیدا کردن یک موضوعی که روی آن کار بکند و طبیعی است که این موضوع باید مبتنی بر علاقه و رشته دانشجو باشد.

۲-۶- نامتناسب بودن روش‌های پژوهش آموزش داده در علوم انسانی با ماهیت

رشته علوم انسانی: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳ و ۷ خاطرنشان می‌سازند: یعنی از روش‌هایی استفاده کنیم که تناسب کافی با رشته شما ندارد، یعنی من فقط می‌آیم به شما روش پیمایشی یاد می‌دهم و همبستگی و تو فردا موضوعت کیفی و ترکیبی است، حالا که نامتناسب است، دانشجو به چالش می‌افتد.

۳- انقطاع مباحث نظری از مباحث عملی: عمده‌ترین مشکل آن‌ها، آن فاصله‌ای است

که بین مباحث نظری و اقدامی که برای نوشتن موضوعات باید انجام دهند وجود دارد.

۳-۱- ارتباط نداشتن واحدهای درسی: اطلاع‌رسان‌های شماره ۴ و ۶ خاطرنشان

می‌سازند: مشکل دیگر این‌که دانشجویان ما طبیعتاً فرایند کار پژوهش رو شاید اون قدر که باید به آن وارد نشده‌اند، به طوری که مثلاً یا ارتباط لازم بین مباحثی که در کلاس‌ها خوانده‌اند با آن موضوع پایان‌نامشون با روش کارشون وجود نداره؛ گاهی باید تازه از صفر شروع کنند. مثلاً روش تحقیق چی باید باشه؟ متدولوژی کار چی باید باشه؟ اون بحث‌های تئوری که توی کلاس، گفته شده کمک لازم رو بهشون نمی‌کنه.

۳-۲- پژوهش محور نبودن دوره‌های تحصیلات تکمیلی: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳، ۴

و ۶ می‌گویند: ... در حالی که من اعتقاد دارم باید در طول دوران تحصیل، همین جور که خیلی از کشورها دوره ارشد اصلاً ری سرچه؛ یعنی دانشجو از اول که وارد دانشکده می‌شه و کار ارشد رو شروع می‌کنه، داره کار پژوهشی می‌کنه. مشکل دانشجوی ما اینه که وقتی، یک مشت واحدهای متعدد رو گذروند، شاید با ارتباط یا بی‌ارتباط، تازه‌ی می‌خواد وارد یک موضوع پژوهش بشه و وقتی که یک ری سرچ جدی تا حالا نداشته، چطور انتظار داریم یک پایان‌نامه اساسی رو از عهده‌اش بریاید؟

۳-۳- کم توجهی به پرورش مهارت‌های پژوهشگری از دوره ابتدایی: اطلاع‌رسان‌های

شماره ۳، ۵ و ۶ می‌گویند: یعنی سیستم آموزشی ما که حالا بماند، می‌تونه از اون جا شروع بشه

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

از ابتدایی تا دوره متوسطه، پژوهش محور باشد که اصلاً همچنین چیزی رو ما نداریم، تو دوره مدرسه که نداریم، دوره کارشناسی نداریم، دوره ارشد نداریم، حالا انتهای ارشد می‌خواد یه ری سرچ اساسی و جدی بکند و انتظار داریم یک کار خوب بکنه، نه نمی‌شه. چون اصلاً دانشجوی فرایند پژوهش رو نمی‌دونه. از دوره ابتدایی اگر معلم، ری سرچ و پژوهش رو آموزش بدن، طبیعتاً مسئله‌مداری، مسئله‌محوری، مشکل‌گشایی، رویکرد آموزشی باشد، اون فرد وقتی میاد دانشگاه، همه این قضیه‌هارو قطعاً یاد می‌گیره.

۳-۴- کم توجهی به ایده‌پردازی و اندیشه‌ورزی: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳ و ۶ خاطر نشان می‌سازند: ... خُب چرا چه اتفاقی می‌افته که ما چهارصد ساله در جامعه ایران هیچ ایده تازه‌ای تولد پیدا نکرده، چون از دوره ملامت‌درا به این ور ما هیچ نوآوری در اندیشه نداشتیم در هیچ زمینه‌ای. از فلسفه تا سایر حوزه‌های علوم انسانی فقط کپی کرده‌ایم، فقط تکرار کردیم، نوآوری و اندیشه نویی خلق نشده است. از ابتدا ما زمینه‌ای رو فراهم نکردیم، اندیشه‌ورزی تعطیل. دانشجویی که اندیشه‌ورزی ندونه، چطور می‌تونه پایان‌نامه بنویسه؟

۴- مشکلات دانشجوی (عوامل فردی):

۴-۱- تسلط نداشتن بر مهارت‌های مسئله‌کاوی: اطلاع‌رسان‌های ۱ و ۷ خاطر نشان می‌سازند: مشکلات دانشجویها این بود که خُب دانشجو مسئله‌کاوی بلد نبود در درجه اول، یعنی بیشتر به دنبال مسئله‌سازی بود. وقتی که شما دنبال مسئله‌سازی باشی با موضوعت نمی‌تونی ارتباط برقرار کنی، هی می‌خوای مهندسی کنی. حوزه ما، حوزه تعلیم و تربیت هستش، به حوزه اجتماعی و حوزه انسانی، شما باید یک مسئله رو با گوشت و پوست و خونت درک کنی و سپس اون مسئله رو تبدیل کنی به یه عنوان رساله، در حالی که دانشجویهای ما چی کار می‌کنن، میان میگن خُب بریم سراغ یه موضوعی که پرسشنامه‌اش هست، یه پرسشنامه دیگه هم وجود داره و این دو تا رو با هم بچسبونیم یه متغیر دیگه‌ای هم بذاریم بشه سه تا که مثلاً یه کار تحقیقاتی انجام بدیم، اینا مسئله‌سازیه. چون این مسئله‌سازی وجود داشت، ارتباط خوبی با پایان‌نامه برقرار نمی‌کردم، حالا چه با پایان‌نامه چه با رساله.

۴-۲- تسلط نداشتن بر مهارت‌های تحلیل داده‌ها: اطلاع‌رسان‌های ۱، ۳ و ۸ خاطر نشان می‌سازند: مرحله بعدی بحث تحلیل داده‌هاست که خُب اکثر دانشجویها در مرحله تحلیل داده‌ها مشکل دارن. این تحلیل‌ها چه تحلیل‌های کمی باشه که نگاهشون نگاه نرم افزاریه و فکر می‌کنن که باید همه داده‌ها رو بریزن تو نرم افزار و نرم افزار خودش نتیجه می‌ده، در حالی که اینجوری نیست، تحلیل رو هم باید درک کرد که چه نوع تحلیلی برای چه مواقعی مناسبه و

1. questionnaire

چه تحلیل کیفی باشد. تحلیل کیفی که مشکلات بیشتری، چون تو تحلیل‌های کمی خُب خیلی موقع‌ها دانشجویها کارشون رو می‌دن بیرون یا کس دیگه انجام می‌ده، در حالی که در تحلیل کیفی خودشون باید با داده‌ها ارتباط برقرار کنن و این قدرت تحلیل‌گری رو ندارن، چون اصلاً توی کلاس‌ها هم تحلیل‌گری رو یاد نگرفتن. پس بنابراین یک سری داده‌های خشک، نجسب از کار درمیاد.

۳-۴- تسلط نداشتن بر مهارت‌های نگارش علمی: اطلاع‌رسان‌های ۱، ۳ و ۸ خاطرنشان می‌سازند: شما ببینید ما تو بحث گزارش یافته‌ها خُب روش‌های متنوع بسیار زیادی داریم. الآن کل گزارش ما تو ایران به دو صورت شده تو حوزه علوم تربیتی. جدول و نمودار همین، یعنی حتی کار کیفی هم که بچه‌ها انجام می‌دن، جدول می‌کشن و توی جدول میان می‌نویسن، در حالی که کار کیفی می‌تونه به صورت یک روایت یا داستان گفته بشه، می‌تونه به صورت یک تحلیل سیاسی اجتماعی عرضه بشه، می‌تونه یک تحلیل فرهنگی باشه. پس ما ۴ تا مسئله عمده از طرف دانشجو داریم، مسئله رو شناسایی نمی‌کنن، روش تحقیق‌هارو خوب نمی‌شناسن، تحلیل داده‌هاشون خیلی مصنوعیه و در نهایت گزارش یافته‌هاشونم گزارش یافته‌های خیلی خشک و کلاسیکه، یعنی هیچ نوع تنوعی درش وجود نداره.

۴-۴- غیرمرتبط بودن رشته تحصیلی: اطلاع‌رسان‌های شماره ۲، ۳ و ۴ می‌گویند: بچه‌ها گاهی اوقات لیسانس‌هاشون غیرمرتبطه و گاهی اوقات هم تو دوره این به طور کلی کفایت لازم رو نداره که بچه‌ها به اون حد برسن که بتونن موضوع انتخاب کنن.

۵-۴- نداشتن انگیزه کافی برای اکتشاف‌گری: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳، ۵، ۶ و ۸ بیان می‌کنند: دانشجویان از انگیزه کافی برای اکتشاف‌گری، پژوهشگری و پژوهندگی برای این که یک کار بکر و اصیل رو انجام بدن، برخوردار نیستن. یعنی فکر می‌کنن برای خود رسالتی رو مدّ نظر قرار نداده‌اند. این‌ها حداقل بخش زیادیشون این روند رو دارن، اومدن مدرک بگیرن، چون که اگر ما می‌خواهیم کار خوب انجام بدیم باید طرف، یک نگرش و یک رسالت، یک چشم‌انداز خوب را داشته باشد. نکته اول که بخواهیم فازی بهش نگاه کنیم، کم‌تر برخوردار هستن به لحاظ فردی. نکته دوم اینکه که تلاش دانشجو متمرکز بر آماده کردن خودش بر حوزه پژوهش نیست، یعنی دانشجو خیلی جنرال یا عمومی کار می‌کند، مطالعه می‌کند و این باعث می‌شه که در یک حوزه‌ای که مدّ نظرش هست آمادگی کافی پیدا نکنند، در واقع دانشجویی که درست نمی‌داند می‌خواهد چه کار کند و روی چه موضوعی کار کند و مطالعاتش را به سمت و سوی آن موضوع خاصی که مدّ نظرش هست سوق نمی‌دهد؛ عملاً وقتی به مرحله پایان‌نامه برسد، هر موضوعی که دست بزاره بخشی از مشکلاتش ناشی از اینکه که این موضوع را دیرموقع انتخاب کرده و مطالعاتی

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

که در طول سه، چهار ترم قبل داشته، همسو با این موضوع نیست، بنابراین تازه به این موضوع رسیده و عملاً باید زمانی را شش ماه، یک سال بگذارد تا با موضوع آشنا شود و این در واقع زمان یکی از مشکلاتی است که در عمل، زمینه را فراهم می‌کند که دانشجو با موضوع درگیر نشود و خیلی با کیفیت نتواند به موضوع بپردازد و این‌که این موضوع را نتواند آن طور که باید و شاید انجام دهد.

۴-۶- شکل‌گیری روحیه فعالیت‌های قالبی در دانشجویان: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳

و ۷ می‌گویند: یکی دیگر از موارد و نظام آموزش قبل از دانشگاه این است که ما دانش‌آموزانمان را با روحیه کنجکاوی که خداوند به آن‌ها داده است تربیت نمی‌کنیم؛ یعنی دانش‌آموزانمان را قالبی، فرمالیته، ظاهری و در واقع کلیشه‌ای تربیت می‌کنیم و وقتی چنین فردی عملاً وارد دنیای پژوهش، پژوهش واقعی انجام بدهد، با یکسری چالش‌ها رو به رو می‌شود و چون تربیت شدن او هم توی خانواده، هم در نظام آموزش و پرورش و هم آموزش عالی در واقع به سمت و سوی نبوده که او را به نوعی تاب آور پژوهشی تربیت کند، عملاً این قالبی تربیت شدنش خودش از مهم‌ترین سدها می‌شود. مثلاً دانشجو می‌گوید که استاد به من گفت مجوز نمی‌دهم و دیگه برمی‌گرده، این در واقع چون که قالبی بار اومده با کوچک‌ترین مشکل برمی‌گردد، ولی اگر این فرد تاب آور، انعطاف‌پذیر و از نظر ویژگی‌های شخصیتی، کنجکاو بود؛ بالاخره اگر به راهی برمی‌خورد، می‌رفت راه خودش را پیدا می‌کرد. در واقع می‌خواهم بگویم که سبک تربیتی ما هم بچه‌هایمان را چون که قالبی تربیت می‌کنیم زود تسلیم می‌شوند.

۴-۷- تحمل ابهام‌پذیری پائین: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳، ۵ و ۷ خاطر نشان می‌سازند:

دانشجویان نمی‌توانند چند صباحی را تحمل کنند که وارد موضوعات بکر و موضوعاتی با روش اکتشافی شوند که از پس فعالیت‌های اون، یافته‌ها نمایان و دیده شود و معمولاً می‌روند یک موضوعاتی را که خیلی شسته و رفته و موضوعاتی که صفر تا صدش (این موضوعات خودشان چالش برانگیز نیستند) مشخصه، انجام می‌دن و این موضوعات انگیزه بخش نیستند و بنابراین فرد، دل و جان به کار نمی‌دهد؛ بنابراین ما اگر می‌توانستیم در این‌ها تحمل ابهام‌پذیری را ایجاد کنیم که این فرد بتواند از نظر شخصیتی اعتماد به نفس داشته باشد و بعد برود دنبال موضوعی که علاقه خودش است؛ حتی اگر برخی از زوایایش پنهان باشد. این خود چالش برانگیز بودن موضوع، انگیزه‌ای می‌شود تا دوباره بتواند کار خوب بکند.

۴-۸- شکل‌نگرفتن مهارت کارهای تیمی و گروهی: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳ و ۴ و ۸

می‌گویند: بچه‌های ما به خاطر این که هر کدامشان می‌خواهند جزیره جزیره‌های مجزایی باشند در انجام پژوهش و با هم نمی‌آیند از توانمندی‌های هم‌دیگر استفاده کنند، بعضاً یک رقابت منفی

در آن‌ها شکل می‌گیرد که من از تجربه‌ها به او نگویم، اون به اون نگه و این باعث می‌شه که این اشتباهات رو همه افراد تکرار کنند. در صورتی که این افراد در کلاس‌ها و از این روحیه برخوردار بودند که به صورت گروهی می‌توانستند کار کنند، از اشتباهات یک‌دیگر درس می‌گرفتند؛ یعنی این نبود روحیه کار تیمی، نبود استفاده از کمک‌های دیگران و حسّ علمی و تشکیل ندادن تیم‌های پژوهشی در کلاس‌ها، تمایل نداشتن به کارهای گروهی و خود آن افراد، باعث می‌شود که همه آن‌ها بخواهند با آن مشکلات مواجه شوند و ما از تجربه‌های دیگران استفاده نکنیم.

۹-۴- سبک خودمدار و خودخواهانه: اطلاع‌رسان‌های ۲، ۳، ۵، ۷ و ۸ خاطر نشان

می‌سازند: دانشجو می‌خواهد همه کارها را صفر تا صدش را تجربه کند و نمی‌خواهد از کسانی که تجربه کرده‌اند استفاده کند، این باعث می‌شود که خیلی از مشکلاتی که حل شده است و خیلی از آدم‌ها تجربه کرده‌اند نتوانند از آن استفاده کنند، بنابراین خود مدار بودن و خودخواه بودنش و یا تک‌رو بودنشان باعث می‌شود که آن‌ها نتوانند از تجربه‌های دیگران استفاده کنند و خود همه این‌ها زمینه‌های بروز مشکلات می‌شوند. به لحاظ فردی دانش این دانشجویان هم به خوبی شکل نمی‌گیرد؛ حالا درست است که این بخشی از آن به خود آموزش و تدریس برمی‌گردد، اما بخشی از آن به خود افراد برمی‌گردد. افراد در واقع از دانش، مهارت و انگیزه‌های کافی پژوهش برخوردار نیستند. به زبان دیگر این‌ها شایستگی‌ها و صلاحیت‌های پژوهشی خیلی خوب درونشان شکل نمی‌گیرد و بخشی از آن بستگی به خودشان دارد، یعنی خودشان هدفمند دنبال آن نمی‌روند. مثلاً من در طرز استفاده از نرم‌افزار ضعیفم، خودم احساس می‌کنم، حالا که دانشگاه به من اون چیزی رو که می‌خوام یاد نداد، خودم دنبال آن مهارت می‌روم.

۱۰-۴- شکل‌نگرفتن مهارت‌های خودتنظیمی و مدیریت زمان: اطلاع‌رسان‌های

شماره ۱، ۲ و ۳ می‌گویند: در واقع این بچه‌ها قدرت مدیریت زمان خیلی خوبی ندارند، یعنی به آن‌ها آموزش داده نشده است و خودشان هم آن قدر منظم نیستند که کارهایشان را پیشاپیش در واقع برای خودشان برنامه‌ریزی کنند و بتوانند از زمانشان حداکثر استفاده را کنند. بعضاً چند ماه اول پایان‌نامه و یا رساله‌ایشان را یا سال اول رساله‌ایشان را برای دکتری با دست دادن زمان از دست می‌دهند و در انتهای کار، کارها روی هم انباشته شده و این باعث می‌شود که کیفیت کار از دست برود. بنابراین نداشتن توانایی مدیریت زمان و نپرداختن آن و منظم حرکت نکردن و یا برنامه‌ریزی درستی نداشتن، چون اگر این‌ها برنامه‌ریزی درستی داشتند، هم می‌توانستند مدیریت زمان کنند و هم می‌توانستند منظم عمل کنند.

1. Time Management

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

۱۱-۴- ناهمسویی عمل با برنامه: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳، ۵ و ۷ خاطر نشان

می‌سازند: یکی دیگر از موارد این است که افراد از تربیت درستی در خانواده‌ها و در نظام آموزش و پرورش و در آموزش عالی برخوردار نیستند که مبتنی بر برنامه عمل کنند. بیشتر در واقع جسته و گریخته عمل می‌کنند. خیلی سیستماتیک و یا منظم تربیت نشده‌اند که عمل کنند. بنابراین شکل نگرفتن روحیه سیستماتیک کار کردن، منظم کار کردن، گروهی کار کردن، با هم کار کردن و از تجربه یک‌دیگر استفاده کردن تمام این‌ها می‌توانند عاملی برای این مسئله باشند.

۱۲-۴- فرمانبر نبودن دانشجویان از استادان: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳، ۵ و ۸ خاطر

نشان می‌سازند: یکی دیگر از موارد این است که برخی از بچه‌های ما خیلی حرف استادانشان را گوش نمی‌کنند، یعنی حرف را گوش می‌کنند اما در عمل، یک چیز دیگر را انجام می‌دهند، یعنی در واقع میزان فرمانبری دانشجویان از استادانشان خیلی پایین آمده است و این یک ویژگی شخصیتی می‌باشد، یعنی به فرض اگر من آن استاد را به عنوان استاد راهنما قبول داشته باشم، وقتی استاد می‌گوید که تو باید روزی ۸ ساعت مطالعه کنی و دانشجو طبق گفته استاد برنامه روزانه‌اش را می‌چیند، ولی اگر دانشجو روحیه فرمانبری‌اش پایین باشد، می‌گوید حالا استاد به چیزی گفت دیگه و در واقع فرمانبر نبودن یکی دیگر از موارد هستش.

۱۳-۴- تقلیل جایگاه استاد در ذهن دانشجو: اطلاع‌رسان شماره ۳ می‌گوید: یکی دیگر

از موارد ضمنی این است که جایگاه استاد در ذهن دانشجو کاهش پیدا کرده است، یعنی فروکاست شدن یا کاهش یا تقلیل جایگاه استاد راهنما و مشاور در منظر یا ذهن دانشجو یکی دیگر از مشکلات پایان‌نامه‌نویسی است. به دلیل این که وقتی در پایگاه ذهنیت نسبت به استادت پایین باشد و فرمانبر هم نباشی، این باعث می‌شود که حرف‌شنو هم نباشی و عملاً در واقع خود این باعث می‌شود که کارهای یللی و تللی شود و کارها روی هم بریزد و الی آخر.

۱۴-۴- انتخاب نامناسب استادان تیم هدایت پایان‌نامه: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳ و

۷ خاطر نشان می‌سازند: یکی دیگر از مشکلات دانشجویان این است که دانشجو، استاد راهنما و استاد مشاور مکمل نیازهای پایان‌نامه نیستند، بلکه معمولاً هم مسیر هستند. مثلاً فرض کن دو تا استاد برنامه‌ریزی درسی وقتی می‌آیند یک پایان‌نامه را بردارند، این‌ها برای برنامه‌ریزی درسی خوب هستند. بنابراین:

کامل نبودن مهارت‌های تیم هدایت پایان‌نامه یا رساله و مکمل هم نبودن می‌تواند یکی از مؤلفه‌ها باشد. یعنی تیم راهنمایی با هم در همه بخش‌ها نمی‌توانند کمک کنند، حداقل در یک بخش می‌توانند کمک کنند.

۱۵-۴- شکل‌نگرفتن مهارت‌های شناسایی ویژگی‌های جامعه مخاطب:

اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۲ و ۵ بیان می‌کنند: هر کسی که می‌خواهد کار پژوهشی کند، اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کند، باید بداند که این پژوهش را باید برای کجا انجام دهد؟ جامعه مخاطب کجاست؟ در جهت حل کدام مشکل می‌خواهم گام بردارم؟ شاغلان و دانشجویان ارتباطشان با جامعه خیلی تعریف شده نیست، بنابراین یک مقدار آن نیازها در آن‌ها برجسته و مشخص نیست و بر آن اصل حرکت نمی‌کند.

۵- مشکلات استادان:

۱-۵- **تحمیل پایان‌نامه به دانشجو:** اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۳، ۶ و ۷ خاطرنشان می‌سازند: ممکن است در بعضی دانشگاه‌ها حتی در دانشگاه ما، مشکلاتی از ناحیه استادان باشد و پایان‌نامه را به دانشجو تحمیل کنند، به نظر من تا زمانی که ما انتظار خودمان را از پایان‌نامه مشخص نکنیم، یعنی دانشجوی ما با علاقه و رغبت و در جهت تکمیل یادگیری‌های خودش و در جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه حرکت نکند، بنابراین اولین گام را که یک کار تحمیلی است به دانشجو هموار کرده‌ایم و دانشجو به دنبال این است که این کار را انجام بدهد و برود و این وضعیت می‌تواند در بعضی جاها یک مقدار شرایط را سخت کند و استاد هم می‌بیند که آن دانشجو به دنبال این است که از این موقعیت عبور کند، یعنی به جایی ملاحظه می‌کند، به جایی کم کاری می‌کند.

۲-۵- دغدغه و مشغله بالای استادان و تخصیص ندادن زمان کافی به دانشجو:

اطلاع‌رسان‌های شماره ۲، ۳ و ۵ خاطرنشان می‌سازند: یکی دیگر از معضلات مهم عدم تخصیص زمان لازم برای هدایت و مشاورت دانشجو است. گاهی استاد به اندازه کافی وقت نمی‌گذارد و این فرایند باید اصلاح شود، مسئول انجام پژوهش در پایان‌نامه، استاد راهنماست و استاد راهنما باید بیش از دانشجو احساس وظیفه کند، وقت بگذارد و مسئولیت این کار با استاد است و بنابراین از اول کار تا آخر کار باید نظارت بکند، نه این که خودش کار انجام دهد، اما مطالعه و نظارت بکند و بازخورد بدهد و دانشجو را از اول تا آخر کار هدایت کند و چون این اتفاقات نمی‌افتد ما کیفیت را در پایان‌نامه از دست می‌دهیم.

۳-۵- کثرت مسئولیت پایان‌نامه‌ها: اطلاع‌رسان‌های ۱، ۲ و ۷ خاطرنشان می‌سازند:

این که استاد به تعداد زیادی پایان‌نامه برمی‌دارد، شما یک پایان‌نامه داری و همه زندگی‌ت را اون پایان‌نامه است، می‌خوای رو اون کار کنی، در حالی که استاد نزدیک ۲۰ تا پایان‌نامه رو داره راهنمایی و مشاوره می‌کنه، خُب ۲۰ تا پایان‌نامه یعنی ۲۰ تا موضوع و ۲۰ تا موضوع آیا در توان

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

یک استاد هست که رو ۲۰ حوزه علمی بیاد کار کنه، این محلّ شک و تردیده، پس بنابراین استاد خیلی سطحی به مسئله شما می‌پردازه.

لازم به ذکر است که در برخی موارد، استادانی هستند که به رغم کثرت تعداد پایان‌نامه‌های تحت مدیریت‌شان، لیکن به دلیل تعهد حرفه‌ای و اخلاق‌محوری، زمان لازم را در اختیار دانشجویان‌شان قرار می‌دهند و در نقطه مقابل، استادانی هستند که به رغم تعداد اندک پایان‌نامه‌های تحت نظارت‌شان، حداقل زمان را در اختیار دانشجویانشان قرار می‌دهند و این رویه در حالی است که هیچگونه سازوکاری برای سنجش رضایت دانشجویان از کیفیت راهنمایی و مشاورت استادان راهنما و مشاوره در دانشگاه‌ها وجود نداشته و عملاً وجود رضایت و عدم رضایت، هیچ نقشی در فرایند تشویق استاد متعهد و یا تذکر به فرد کم‌کار ندارد. اخیراً در اقدامی، تلاش شده تا از تجمع پایان‌نامه‌ها در دست افراد و متضرر شدن دانشجویان به لحاظ کمتر بهره‌مند شدن از زمان استاد مربوطه، براساس یک ملاک صرفاً مرتبه‌محور، به سهمیه‌بندی دانشجویان بالقوه تحت نظارت پرداخته شده است و این درحالی است که به دلیل نگاه تک‌بعدی، و در نظر نگرفتن کیفیت عملکرد استادان مشاوره و راهنما و نبود سازوکار سنجش کیفیت رضایت از عملکرد استادان راهنما و مشاور، می‌تواند خود زمینه‌ساز خطای دیگری گردد. به نظر می‌رسد در این بخش انجام مطالعات تکمیلی و تدوین سازوکارهای تشویقی برای استادان متعهد در هدایت دانشجویان و اعمال این رضایت‌مندی به عنوان ضریب افزایشی در افزایش سهمیه پذیرش دانشجو به عنوان استاد راهنما می‌تواند تا حدی از نگاه تک‌بعدی و مخاطرات آن بکاهد.

۴-۵- سبک نظارت استاد: اطلاع‌رسان‌های ۳ خاطرنشان می‌سازد: مشکل بعدی به سبک نظارت استاد برمی‌گردد که استادهای ما نمی‌تونن سبک نظارتشون رو با سبک شخصیتی دانشجو مچ کنن، ببین مثلاً بعضی از استاداها، استادهایی هستن که آزادگذارنده‌ان، اینا در حقیقت میای باهاشون یه رساله می‌گیری بعد فراموش می‌کنن تا روز دفاع، هر چی هم بهشون زنگ می‌زنی براشون می‌فرستی رساله‌رو اینارو، توجهی نمی‌کنن. روز دفاع اگه کارت خوب بشه می‌گن که خیلی خوبه، اگه بد بشه می‌گن خُب دانشجو اصلاً به من مراجعه نکرده، یه سری از استادان مثل یه ارتشی فرمانده می‌مونن، همه چیز رو می‌گن نه این کارو انجام بده اون کارو انجام بده یا بعضی از استادان هستن که در حقیقت حالت استثمارگر دارن، دنبال اینن که فقط از کارت مقاله بیرون بیاد اصلاً به کار اهمیتی نمی‌دن، این سبک رو باید با دانشجو با هم مچ کنن، خُب یه دانشجوییه که واقعاً باید بهش بگی چه کار کن تا جلو بره، یه دانشجوییه که باید، آزادش بزاری خودش این توانایی رو داره فقط باید بهش کلید بدی، یه دانشجوییه که فقط دنبال مقاله نوشتن و کتاب نوشتن و اینا نیست، دوست داره یه کار خوب انجام بده. بنابراین استادان میان با یه سبک واحد با تمامی آدم‌ها رفتار می‌کنن. این یه مشکل خیلی بزرگیه که استادان دارن.

۵-۵- **تحمیل استاد از سوی گروه:** اطلاع‌رسان‌های ۱، ۳، ۷ و ۱۰ می‌گویند: یکی این‌که توی قوانین ما آوردیم که دانشجو می‌تونه استادش رو از همه دانشگاه‌ها انتخاب کنه، از همه دانشگاه‌ها به عنوان عضو هیأت علمی اگه باشن، طرف می‌تونه انتخابش کنه، ولی ضمانت اجرایی برای این در نظر نگرفتیم، مثلاً آقای X وقتی که می‌خواد حالا استاد راهنما انتخاب کنه می‌گه که من می‌خوام مثلاً با دکتر X از دانشگاه علامه کار کنم. گروه مانع این می‌شه، می‌گن نه. استاد راهنما باید از دانشکده باشه، در حالی که همچین چیزی اصلاً وجود خارجی نداره، ولی می‌گن نه قانونش اینه، در حالی که قانون این نیست.

۵-۶- **صوری بودن جلسات دفاع از پایان‌نامه‌ها و ارزیابی کیفیت عملکرد پژوهشی دانشجو (حکایت ضرب‌المثل "دوغ و دوشاب یکی است"):** اطلاع‌رسان شماره ۳ و ۷ می‌گویند: ضمن این‌که مشکل دیگه‌ای هم که وجود داره اینه که تفاوتی بین کار خوب و بد وجود نداره، میدونید مثلاً این‌که شما در نهایت می‌بینید که رنج نمره‌ها بین ۱۸/۵ تا ۲۰ هست. یعنی بدترین رساله ممکن ۱۸/۵ می‌شه و یه سری هم ۲۰ می‌شن. یعنی این واریانس پایین این ذهنیت رو در شما به وجود میاره که خُب وقتی که تمایزی نیست، من واسه چی تلاش بیشتر بکنم و این روحیه در حقیقت کرختی، بی‌انگیزگی در شما به وجود میاد.

۵-۷- **همزمانی وظایف سازمانی و آموزشی استادان مأمور و پیامد آن:** اطلاع‌رسان شماره ۳ می‌گوید: دانشجو باید به این نکته توجه کند استادانی که پست‌های فراوانی در دانشکده ندارند، نمی‌توانند آن‌طور که باید و شاید به راهنمایی دانشجو بپردازند، البته بستگی به استاد مربوطه نیز دارد.

۵-۸- **دسترسی محدود دانشجو به استاد مربوطه:** اطلاع‌رسان شماره ۳، ۹ و ۱۰ می‌گویند: برخی استادان که بیشتر درگیر کارهای خارج از دانشگاه و پست‌های دیگری دارند، قطعاً دسترسی دانشجو به استاد مربوطه محدود است و این می‌تواند یک مشکل برای دانشجو باشد.

۵-۹- **دشواری هماهنگی بین استادان برای حضور در جلسه دفاع از پروپوزال:** اطلاع‌رسان شماره ۳ می‌گوید: این‌که دانشجو باید استرس هماهنگی استادان برای حضور در جلسه دفاع از پایان‌نامه و رساله و یا پروپوزال را بکشد مشکل دیگری است که می‌تواند باعث فشار روانی در دانشجو گردد.

۵-۱۰- **ناتوانی استادان در تشخیص داده‌های واقعی از داده‌های ساختگی:** اطلاع‌رسان‌های شماره ۱ و ۳ بیان می‌کنند: بارها مشاهده کرده‌ایم که دانشجو در رابطه با یک مؤسسه و شرکتی پایان‌نامه برمی‌دارد و داده‌هایش به‌خصوص در کارهای کمی به صورت

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

ساختگی وارد می‌کند و اصلاً در آن شرکت یا مؤسسه حضور نداشته است. این می‌شود که تفاوت بین دانشجویی که در اصطلاح مته به خشخاش می‌زاره و دانشجویی که سرهمی چیزی رو سریع تحویل می‌ده مقایسه نادرست ایجاد می‌شود.

۱۱-۵- رویکرد کمی و نتیجه محور بودن استادان: اطلاع‌رسان شماره ۳ بیان می‌کند:

استاد وقت زیادی را به دانشجو نمی‌دهد و فقط می‌خواهد که کار زودتر تمام شود.

۱۲-۵- رویکرد مچ‌گیرانه برخی از داوران: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳، ۴، ۵ و ۸

خاطر نشان می‌سازند: متأسفانه برخی از داوران گاهی اوقات به دلیل لج کردن با دانشجو، امکان دارد یکسری ایرادهای غیرمنطقی از کار دانشجو بگیرند و در واقع یک رویکرد مچ‌گیرانه و حالت از کاه کوه ساختن، داشته باشند.

۱۳-۵- مطالعه نکردن پایان‌نامه دانشجو از سوی استادان: اطلاع‌رسان‌های شماره ۱ و

۳ می‌گویند: ایرادهای کار پایان‌نامه باید در فرایند آن اصلاح شود. اگر که پایان‌نامه از سوی داور، استاد راهنما و یا مشاور به درستی مطالعه نگردد و اشکالات آن برطرف نشود، در جلسه دفاع شاهد مشکلات اساسی در کار پژوهشی خواهیم بود.

۱۴-۵- راهنمایی نکردن دانشجو از سوی استاد راهنما: اطلاع‌رسان‌های ۲ و ۳

می‌گویند: این که استاد راهنما به درستی وظیفه خود را انجام ندهد و بهترین کار را از دانشجویش انتظار داشته باشد یک ادعای واهی خواهد بود.

۱۵-۵- شکل‌گیری پدیده استاد راهنما در نقش داور در جلسه دفاع: اطلاع‌رسان

شماره ۳ و ۷ خاطر نشان می‌سازند: استاد راهنما وظیفه دارد که در جلسه دفاع از دانشجو در واقع دفاع کند، اما گاهی استاد راهنما برعکس دانشجو را به چالش طلبیده و این می‌تواند سبب مشکلاتی برای دانشجو گردد.

۱۶-۵- انتخاب موضوعات نامتناسب با توان و تخصص توسط استاد راهنما:

اطلاع‌رسان‌های ۱، ۲ و ۳ بیان می‌کنند: استادان باید موضوعاتی که توان و تخصص در آن دارند و در آن حوزه، پژوهش انجام داده‌اند را برعهده بگیرند تا نه مشکلی برای خود استاد پیش بیاید نه برای دانشجو.

۱۷-۵- سواد رسانه‌ای پایین برخی از استادان راهنما و مشاور: اطلاع‌رسان‌های ۲ و

۳ خاطر نشان می‌سازند: برخی استادان تأکید دارند که حتماً باید دانشجو کار خود را پرینت شده و به صورت حضوری تحویل نمایند، در حالی که در این عصر می‌توان با شبکه‌های اجتماعی رو به پیشرفت تا حدودی از زمان بهره برد، چرا که این تجهیزات مشکل مسافت را به خوبی حل کرده‌اند.

۱۸-۵- نبود نظام سنجش کیفیت عملکرد استادان راهنما و مشاور: اطلاع‌رسان‌های

شماره ۱، ۳ و ۷ خاطر نشان می‌سازند: رویه‌های ناقص، قوانین ناقص و در حقیقت نظارت نادرست قانونیه که این نظارت بیشتر به سمت دانشگاه، مثلاً دانشگاه می‌گه دانشجوی این کارو نکنه فلانش می‌کنیم یا باید پولشو سر وقت بده، نده اون کارو می‌کنیم یا غذاش اگه اینجوری باشه اعتراض کنه فلانش می‌کنیم، ولی خب دانشگاه قوانینی نداشته که اگه مثلاً دانشجوی از استاد ناراضی باشه، استاد رو چه کارش می‌کنیم، بنابراین این کفه عدالت، کفه نابرابریه، ترازوی عدالت خیلی در حقیقت نامتوازانه توی دانشگاه.

۱۹-۵- ناهماهنگ بودن نظرات استادان: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳، ۵ و ۷ خاطر نشان

می‌سازند: ناهماهنگ بودن استاد راهنما و مشاور می‌تواند یکی دیگر از معضلات باشد، چرا که در واقع استادان راهنما و مشاور باید نظراتشان در جهت بهبود پژوهش دانشجوی باشد، اختلاف‌نظرهای بی‌جهت در برخی موارد شاید سبب بروز مشکل شود.

۶- مشکلات دانشگاه، ساختار و قوانین (عوامل آموزشی):

۱-۶- قوانین و مقررات: اطلاع‌رسان‌های شماره ۲، ۳ و ۶ می‌گویند: ... الان هم که دانشگاه

تهران، تأکیدش بر این است که دانشجویان در ۴ ترم واسه ارشد فارغ‌التحصیل بشن، اگر از پیش درست برنامه‌ریزی نشه این مشکلات بیشتر می‌شه. مثلاً الان آموزش دانشکده می‌گه: دانشجوی می‌تونه در ترم دوم موضوعش رو تصویب کنه، در ترم سوم پروپوزالش رو تصویب کنه و ترم چهارم روی اون کار بکنه. در صورتی که غالب دانشجویان در همان ترم ۴، تازه دو ماه سه ماه از ترم چهارم گذشته، مؤفق می‌شوند موضوعشان را تصویب بکنند. این خودش مشکلات عدیده‌ای را ایجاد می‌کند. برای این‌که مجبور می‌شود که فورس ماژوری^۱ در ۳ ماه همه کارها را انجام بدهد و کار یک کار بی‌کیفیت می‌شود. لذا دانشجویانی که یک مقدار انگیزشان کم‌تر است، فعالیتشان کم‌تر است و غالباً در فرایند کار با مشکلاتی مواجه می‌شوند.

۲-۶- چیدمان برنامه درسی: اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۲ و ۳ خاطر نشان می‌سازند: یکی

دیگر از عوامل، چیدمان برنامه درسی ما، چیدمان برنامه درسی‌ای نیست که در دانشجویان ما توانمندی پژوهشگری را تقویت کند و یا تسهیل‌گری کند و یا زمینه‌سازی کند. چیدمان ما، چیدمان انتقال دانش است. الان مثلاً در رشته آموزش بزرگسالان ۲ واحد روش تحقیق دارید و اسم دوره کارشناسی ارشدش (پرورش پژوهشگر _ تربیت پژوهشگران در حوزه آموزش بزرگسالان) است و نباید در پرورش پژوهشگر ۹۰ تا ۹۵٪ واحدهایتان را ارائه محتوا و موارد اولیه

^۱. force Major

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

باشد. مثلاً فردی که می‌خواهد به شما آشپزی یاد بدهد، یک ساعت وقت می‌خواهد بگذارد ۹۰٪ از وقتش را فقط به معرفی مواد اولیه برای پخت غذا بگذارد و ۱۰٪ پایانی را که خیلی زمان کمی است را بگوید که چگونه این‌ها را با هم ترکیب کن.

۳-۶- سیستم ارزشیابی آموزش محور: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳، ۶ و ۷ خاطر نشان می‌سازند: نکته بعدی این است که ارزشیابی‌های ما بیشتر آموزش محور است تا پژوهش محور. یعنی شما اگر سیستم ارزیابی دانشگاه‌ها را بررسی کنید که دانشگاه تهران هم یکی از آن‌هاست، شما را مؤظف کرده است که در یک بازه زمانی پس از دوره مثلاً ۱۴ روز پس از دوره، سریع نمره را اعلام کنید. این مفهومش این است که ما در واقع یک محتوایی را انتقال می‌دهیم، شما از آن محتوا یک امتحان می‌گیرید و بعدش نمره را اعلام می‌کنید و هیچ فرصتی برای این‌که دانشجوی وقتی آن محتوا را یاد گرفت، برود و با دنیای بیرون مواجه شود پژوهش کند و یا حداقل میزان استفاده از یافته‌ها را در دنیای بیرون ببیند و برگردد را فراهم نمی‌کند. اجازه نمی‌دهیم که استاد از تکالیفی استفاده کند که تکالیفشان مهارت‌های پژوهشی را تقویت می‌کند. اخیراً در یک نامه‌ای آمده است که این جرم اعلام شده است و در واقع به عنوان یک چیز منفی حساب شده است که مثلاً تو اگر بخشی از ارزشیابی‌های دروس‌ات را که مثلاً مقاله و یا به پژوهش و یا به کار عملی پژوهشی وصل کنیم، این یک مؤلفه منفی است؛ در صورتی که باید به نظر من ۵۰٪ تمام درس‌ها حتی درس‌های مثل فلسفه، ۵۰ درصدش را به فعالیت‌های عملی و پژوهش محور بودن اختصاص بدهیم. یعنی ۵۰ درصدش را باید اختصاص بدهیم به این‌که فرد با آن موضوعات مواجهه پیدا بکند، مطالعه و بحث بکند، اما ۵۰ درصد دیگرش را باید در دنیای بیرون، نحوه پژوهش را یاد بگیرد و این مستلزم این است که ما سیستم ارزشیابی دانشگاه‌هایمان، بازه زمانی که در اختیار استاد قرار می‌دهند این متحول شود و تغییر کند. الان سیستمی که هست به جای این‌که سیستم ارگانیک و ارگانیک باشد؛ سیستم مکانیستی است؛ یعنی برایمان منظم برقرار شدن امتحانات و منظم گردآوری نمرات مهم‌تر از این است که فرد در واقع یک فرایندی طی کند که بتواند مهارت‌ها و قابلیت‌های پژوهشی‌اش را ارتقا دهد، یعنی برای ما مهم است که سر هر ترم بعد ۱۴ روز، ۱۵ روز، ۱ ماه این نمره بشینه و برایم دغدغه‌ای نیست که دانشجوی بعد از گذراندن این درس، پژوهش محور بار بیاید. دانشجوی توانایی پژوهشی‌اش قوی شود تا زمانی که می‌خواهد رساله‌اش را انجام دهد برود و آن را با توانمندی بالا انجام دهد.

۴-۶- شیوه ارزشیابی مفهومات سنج: اطلاع‌رسان‌های شماره ۱، ۵ و ۷ خاطر نشان می‌سازند: شیوه‌های ارزشیابی که ما در دانشگاه داریم، شیوه‌های ارزشیابی است که بیشتر

1. crime

مفهومات سنج می‌باشد تا این‌که توانمندی‌های اجرایی را بسنجد. بنابراین چون شیوه‌های ارزشیابی‌هایمان ناکارآمد است سیستم ارزشیابی استادان، این‌که یک استاد، پژوهشی تدریس می‌کند نه روش تحقیق فقط هر درسی، این در واقع جایی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. فقط صرف این‌که یک استاد بخواهد محتوا را انتقال بدهد امتیاز لازم را می‌گیرد. در صورتی که باید نمره‌ای داده شود که پژوهش‌محوری در آن دیده شود.

۵-۶- **نامشخص بودن سیاست‌های پژوهشی دانشگاه:** اطلاع‌رسان شماره ۳ و ۴ خاطر نشان می‌سازند: این‌که سیاست‌های پژوهشی دانشگاه مشخص نیست، احتمال این‌که اولویت‌های پژوهشی سازمان‌ها با آن سیاست‌ها هم‌راستا نباشد وجود دارد.

۶-۶- **نبود واحدی برای تقویت نگارش علمی:** اطلاع‌رسان‌های شماره ۳ و ۶ می‌گویند: یکی از مشکلات مهم و اساسی، نبود واحدی برای تقویت نگارش علمی دانشجویان است، تا وقتی که دانشجویان نگارش علمی یاد نگیرند، نباید انتظار داشته باشیم تا یک اثر پژوهشی تولید کنند. ۷-۶- **زمان بر بودن فرایند تصویب پروپوزال:** اطلاع‌رسان‌های شماره ۱ و ۳ خاطر نشان می‌سازند: چون فرایند تصویب پروپوزال و دفاع از پروپوزال در رساله‌های دکتری زمان‌بر است، شاید بتواند یکسری مشکلاتی را برای دانشجو ایجاد کند.

۸-۶- **نبود مکان و موقعیتی برای شنیدن گلایه‌های سوء کارکرد استادان راهنما و مشاور:** اطلاع‌رسان شماره ۳ می‌گوید: باید یک مکانی برای شنیدن گلایه‌های دانشجویان وجود داشته باشد و چون نیست، نباید شاهد عدالت آموزشی در دانشگاه باشیم.

۹-۶- **عدم هماهنگی دانشکده، گروه و استادان:** اطلاع‌رسان‌های ۱ و ۸ خاطر نشان می‌سازند: عدم هماهنگی بین دانشکده، گروه و استادان دیگر به آن برمی‌گردد که اگر بدانند که همه آن استادان، علاقه پژوهشی‌شان، موضوعاتی که متمرکز چی هست و خودشان هم یک تصویری از موضوعات پژوهشی داشته باشند، کار انتخاب را برای آن‌ها آسان‌تر می‌کند. این در واقع مشکلی هست که وجود دارد.

۷-مشکلات سازمان‌ها و نهادهای ذیربط:

۱-۷- **نبود تفاهم نامه‌های لازم الاجرا با ضمانت اجرا:** اطلاع‌رسان‌های شماره ۳ و ۸ خاطر نشان می‌سازند: باید تفاهم نامه‌هایی لازم الاجرا با ضمانت اجرا برای برقراری ارتباط بین دانشگاه با سایر سازمان‌ها و مؤسسات طرف پژوهش دانشجویان امضا شود تا دانشجویان درگیر فرایند بروکراتیک سازمان‌ها نشوند.

۲-۷- **تخصیص ندادن کمک هزینه به دانشجویان برای مدیریت هزینه‌های پروژه (پایان‌نامه):** اطلاع‌رسان شماره ۱، ۳ و ۴ خاطر نشان می‌سازند: برخی از مؤسسات پژوهشی

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

کمک هزینه‌ای به دانشجویان برای انجام پایان‌نامه تخصیص نمی‌دهند و این باعث دلسردی دانشجویان می‌گردد.

۳-۷- همکاری نامناسب سازمان‌های طرف پژوهش دانشجویان با دانشگاه یا

حاکمیت بروکراسی در آن سازمان‌ها: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳، ۴ و ۵ خاطر نشان می‌سازند: گاهی اوقات فرایند بروکراتیک در برخی سازمان‌ها اینقدر زمانبر می‌شود که دانشجویان نمی‌توانند در بازه زمانی معین از پایان‌نامه خود دفاع کنند و چون سازمان، همکاری لازم را با دانشجویان نمی‌کند، باعث بی‌انگیزگی در فرد می‌شود.

۴-۷- افت جایگاه پژوهش در جامعه: اطلاع‌رسان‌های شماره ۳ و ۵ می‌گویند: یکی از

نکات مهم و اساسی، تقلیل جایگاه پژوهش در جامعه است. چرا که پژوهش را به راحتی در خیابان‌های شهر به حراج گذاشتند و می‌فروشند و بنابراین ارزشی برای علم قائل نیستند.

۵-۷- حاکمیت رویکرد کمی‌گرایی در تدریس پژوهش و روش‌های پژوهش و ارائه

محتوا در تمام دروس: اطلاع‌رسان شماره ۳ می‌گوید: رویکرد حاکم بر روش‌های پژوهش، تدریس پژوهش و همچنین ارائه محتوا در تمام دروس کمی‌گرایانه است، چرا که طبق پژوهشی ۹۶ درصد پژوهش‌های ما به صورت کمی انجام شده‌اند.



نمودار ۱: مضمون‌های شناسایی شده مربوط به مشکلات پایان‌نامه‌نویسی از نظر اعضای هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران

بحث و نتیجه‌گیری

پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی، زمینه‌ای برای آزمایش قدرت به‌کارگیری و استفاده از انواع توانایی‌ها و شایستگی‌های پژوهشی شامل دانش تخصصی، مهارت‌های پژوهشی، توانایی درک و تحلیل موضوعات و مهارت‌های نگارشی است، همچنین در فرایند پایان‌نامه‌نویسی، ارزیابی جامعی از تأثیر آموزش در طول کار پژوهش شکل می‌گیرد (لیهوا^۱ و زیون^۲ و زای‌آهویا^۳، ۲۰۱۱). به این ترتیب با توجه به اهمیت پایان‌نامه‌ها، این پژوهش به منظور بازنمایی تجارب زیسته استادان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران از مشکلات فرایند اجرای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان‌شان صورت گرفت. مطالعات نشان داد دانشجویان با مشکلات متعدد و متنوعی همراه هستند که در این پژوهش از مهم‌ترین مشکلات آن می‌توان به ناتوانی برخی از دانشجویان در انتخاب موضوع پایان‌نامه و رساله، تسلط اندک برخی دانشجویان به حوزه روش پژوهش، نامرتب بودن مباحث نظری از عملی، تسلط اندک به حوزه روش پژوهش، مشکلاتی که به خود دانشگاه، دانشجویان و استادان دانشگاه برمی‌گشت و مشکلات سازمان‌ها اشاره کرد.

مهم‌ترین مرحله هر پژوهش، قدم ابتدایی آن یعنی انتخاب موضوع پژوهش است. در خصوص این مشکل بررسی‌ها نشان داد که دانشجویان در این بخش با هفت مشکل در زمینه انتخاب موضوع مواجه هستند که این یافته با مطالعه بهی‌مهر، ریاحی‌نیا و منصوریان (۱۳۹۳) همخوان است، زیرا پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که دانشجویان در بخش‌های مختلف پایان‌نامه شامل انتخاب موضوع، پروپوزال‌نویسی، تدوین پنج فصل پایان‌نامه مشکل دارند. بر اساس پژوهش حاضر نیز تمامی افراد مصاحبه‌شونده به مشکلات در انتخاب موضوع در هنگام پایان‌نامه‌نویسی اشاره کرده‌اند که در اکثر موارد آن‌ها این مرحله را سخت‌ترین بخش کار دانشجویی معرفی کرده‌اند، چرا که برای نگارش پایان‌نامه، دانشجوی ابتدا با مسأله انتخاب موضوع پایان‌نامه‌اش رو به رو خواهد شد. از طرفی با توجه به شیوع این مسئله ضرورت آموزش انتخاب موضوع مناسب برای پایان‌نامه‌های ارشد و رساله‌های دکتری به منظور ارتقای کیفیت پایان‌نامه‌ها و برگزاری کارگاه‌های مختلف پروپوزال‌نویسی احساس می‌شود.

تسلط اندک به حوزه روش تحقیق نیز یکی از مشکلات پرتکرار اشاره شده از سوی استادان بود که دربرگیرنده مسائلی نظیر نگاه مهندسی داشتن به درس روش تحقیق، آشنایی اندک

1. Lihua
2. Xiaoyan
3. Xiaohui

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

دانشجویان با اصول روش تحقیق، فقر میزان واحدهای روش‌شناسی و کیفیت پائین کلاس‌های روش تحقیق بود که با مطالعه قاسمی و صالحی (۱۳۹۷) هم‌خوانی دارد، چون ایشان نیز یکی از عوامل آموزشی را جدی گرفته نشدن کیفیت کلاس‌های درس روش تحقیق بیان کرده بودند. کومبا سوتکو کلایدیس^۱ (۲۰۱۵) در پژوهش خود یادآور شده بود که درس روش تحقیق که در مؤسسات آموزش عالی تدریس می‌شود، باید هم از نظر محتوا و هم از نظر روش مورد تأیید قرار بگیرد که می‌توان گفت با این یافته به خوبی هم‌خوانی دارد. با توجه به گستره وسیع مشکلات در حوزه تسلط اندک به حوزه روش پژوهش، پیشنهاد می‌شود اولاً به بازنگری در برنامه درسی رشته‌ها پرداخته شود که این بازنگری، با هدف افزایش تعداد واحدهای عملی دروس باشد و همچنین اضافه کردن دروس روش‌شناسی دست کم ۶ واحد که شامل پژوهش‌های کمی، کیفی و آمیخته و شیوه‌های تحلیل داده‌ها می‌شود. دوماً فرایندهای یاددهی-یادگیری در تمامی دروس دوره کارشناسی ارشد پژوهش‌محور شود، چرا که این امر مهم باعث می‌شود دانشجویان در کنار نظری خواندن مطالب درسی، بتوانند آن را در عرصه پژوهشی و عمل به کار گیرند.

کثرت مسئولیت پایان‌نامه‌ها به عنوان یکی از مشکلات هدایت پایان‌نامه شناسایی شد. در برخی اوقات اساتیدی هستند که به دلیل تعدد دانشجویانشان، فرصت کافی برای راهنمایی لازم دانشجویانشان را ندارند و اعمال ضوابطی برای بهینه شدن این تعداد، می‌تواند اثرگذار باشد. از سوی دیگر و براساس روایت‌های شرکت‌کنندگان، در برخی موارد، استادانی هستند که به رغم کثرت تعداد پایان‌نامه‌های تحت راهنمایی‌شان، لیکن به دلایلی نظیر تعهد حرفه‌ای، برخورداری از باورهای مذهبی، و اخلاق‌محور بودن‌شان، زمان لازم را در اختیار دانشجویان‌شان قرار می‌دهند و در نقطه مقابل، استادانی هستند که به رغم تعداد اندک پایان‌نامه‌های تحت نظارت‌شان، زمان لازم را در اختیار دانشجویانشان قرار نمی‌دهند؛ بروز این رویه در حالی است که سازوکاری برای سنجش رضایت دانشجویان از کیفیت راهنمایی و مشاورت استادان راهنما و مشاوره در دانشگاه‌ها وجود نداشته و عملاً وجود رضایت و عدم رضایت، هیچ نقشی اثرگذاری در فرایند تشویق استاد متعهد و یا تذکر به فرد کم‌کار را ندارد. اخیراً در اقدامی، تلاش شده تا از تجمع پایان‌نامه‌ها در دست افراد و متضرر شدن احتمالی دانشجویان به لحاظ کمتر بهره‌مند شدن از زمان استاد مربوطه، براساس یک ملاک صرفاً مرتبه‌محور، به سهمیه‌بندی دانشجویان بالقوه تحت نظارت پرداخته شده است و این درحالی است که به دلیل نگاه تک‌بعدی، و در نظر نگرفتن کیفیت عملکرد استادان مشاوره و راهنما و نبود سازوکار سنجش کیفیت رضایت از عملکرد استادان راهنما و مشاور، می‌تواند خود زمینه‌ساز خطای دیگری گردد. به نظر می‌رسد در این بخش انجام

^۱. Komba, Sctco Claudius

مطالعات تکمیلی و تدوین سازوکارهای تشویقی برای استادان متعهد در هدایت دانشجویان و اعمال این رضایت‌مندی به عنوان ضریب افزایشی در افزایش سهمیه پذیرش دانشجو به عنوان استاد راهنما، می‌تواند تا حدی از نگاه تک‌بعدی و مخاطرات آن بکاهد و زمینه‌ساز کیفی شدن خدمات ارائه شده به دانشجویان را فراهم نماید.

به دلایلی بسیاری نظیر انقطاع مباحث نظری از مباحث عملی و تنظیم جزیره‌ای واحدهای درسی در برنامه‌های درسی، دانشجویان بر اساس برنامه‌درسی و کلاس‌هایی که در دوره تحصیلی خود دارند، به عنوان یک فرد نسبتاً حرفه‌ای که قادر به شناسایی مسائل حوزه خود شوند، تربیت نمی‌شوند و این امر در تشخیص نداشتن مسائل پژوهشی، نیازمند بودن معرفی مسئله از سوی استادان و انجام موضوعات تکراری نقش پررنگی دارد. به دیگر سخن، انقطاع مباحث نظری از مباحث عملی، از مشکلاتی بود که اساتید در رابطه با آن به بحث پرداختند که در این موضوع به نداشتن ارتباط بین مباحث ارائه شده در کلاس‌ها با نیازهای عملی دانشجویان اشاره شده است. دانشجویان یکسری واحدهایی را در دوره آموزشی خود می‌خوانند که یا ارتباط بسیار اندکی با پروژه‌های عملی آن‌ها دارد یا این‌که کلاً بی ارتباط هستند، به همین دلیل پیشنهاد می‌شود بخشی از ارزیابی پایان‌ترم در دروس مختلف به یک کار پژوهشی اصیل اختصاص یابد. در رابطه با این که مباحث نظری و عملی از هم انقطاع دارند، می‌توان خاطرنشان کرد که یکی از زیرمضمون‌ها در این رابطه پژوهش محور کردن دوره ارشد مانند سایر کشورهای پیشرفته بود، یعنی در واقع روش پژوهش به صورت کاربردی و یا عملی تدریس شود که این یافته با مطالعه آکیرک^۱ و آفاکن^۲ (۲۰۱۸) هم‌خوانی دارد. یکی از زیرمضمون‌های پژوهش، ناتوانی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مدیریت زمان بود که با پژوهش صالحی (۱۳۹۷) مطابقت دارد، چرا که در این پایان‌نامه پژوهشگر بحث مدیریت زمان را در مقاطع تحصیلات تکمیلی مختلف مورد بررسی قرار داده بود. همچنین مشکل در مدیریت زمان، با یکی از یافته‌های رساله دکتری نیسرینا^۳ (۲۰۲۰) همخوان است، زیرا این پژوهشگر نیز مشکلات را به دو دسته آکادمیک و غیرآکادمیک تقسیم‌بندی کرده بود که مشکلات مدیریت زمان جزو مشکلات غیرآکادمیک بود.

به نظر می‌رسد، شکل‌نگرفتن شایستگی‌های پژوهشی در دانشجویان از مهم‌ترین موانعی است که در انجام بهینه پایان‌نامه‌ها نقش داشته باشد. پرواضح است که در کنار مشکلاتی که به دانشگاه، سازمان‌ها و استادان مربوط می‌شود، برخی از دانشجویان هم کم‌کاری‌های دارند. شاید در نگاهی سیستمی، ارتقای این شایستگی‌ها را بتوان از ماموریت‌های دانشگاه برشمرد و

1. Erkan Akyurek

2. Ozlem Afacan

3. Nisrina

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

شکل‌نگرفتن آن را از منظری به برنامه‌درسی دوره، شیوه مدیریت گروه‌ها و نظارت‌های دانشگاهی مرتبط دانست. ضرورت دارد موسسه تربیت‌کننده ضمن بازنگری در برنامه‌هایی که زمینه کافی برای تربیت شایستگی‌های پژوهشگری در دانشجویان تحصیلات تکمیلی به عنوان پژوهشگران حرفه‌ای در حوزه خودشان را فراهم نمی‌سازند، سازوکارهای توانمندساز را برای ارتقای این شایستگی‌ها تدوین و اجرایی نمایند. پرواضح است که این سازوکار از عمده‌ترین رسالت‌های دانشگاهی است. یعنی اگر دانشجویی در بعد فردی (شایستگی‌های پژوهندگی) ضعف دارد، از دانشگاه انتظار می‌رود تا شرایطی را فراهم نماید تا این ارزش افزوده و توانایی در دانشجویی شکل گرفته و نهادینه شود؛ شواهد از تداوم ضعف در شکل‌گیری بهینه شایستگی‌های پژوهشی در برخی از دانشجویان حکایت می‌کند. یکی از زیر مضمون‌های اساسی در رابطه با مشکلات دانشجویان (عوامل فردی)، ناتوانی در تحلیل داده‌ها بود که نتیجه این مطالعه با مطالعه قاسمی و صالحی (۱۳۹۷) مطابقت دارد، زیرا ایشان در مطالعه‌شان گزارش کرده‌اند که بخش قابل توجهی از دانشجویان در انجام پژوهش‌های اصیل، هنوز توانمندی لازم را پیدا نکرده‌اند و دانشجویان در نگارش فصل چهارم پایان‌نامه مشکلات بسیاری دارند. یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش ناتوانی دانشجو در خوانش متون علمی است که این یافته با مطالعه کومبا سوتکو کلایدیس^۱ (۲۰۱۵) هم‌خوانی دارد. این امر، ضرورت گنجانیدن واحد درسی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی با عنوان تقویت نگارش علمی را بیش از پیش آشکار می‌نماید.

از دیگر مضمون‌های این پژوهش، مشکلات استادان بود که خود به زیرشاخه‌های متعددی تقسیم شد. یکی از زیرمضمون‌های مهم و اساسی در رابطه با مشکلات استادان، سبک نظارت استاد بود که با پژوهش صفایی‌موحد (۱۳۹۸) کاملاً مطابقت دارد، چون ایشان نیز به طور کلی ۴ نوع سبک نظارت پژوهشی را یادآور شده بود که از فرمانده ارتشی تا کاملاً آزادگذارنده تقسیم‌بندی شده بودند. همچنین استادانی که سبک استثماری دارند نیز در این پژوهش مرقوم شده است. علاوه بر این، صفایی‌موحد (۱۳۹۰) در رساله دکتری خود مشخص کرده بود که دانشجویان رشته ریاضی ویژگی‌های شخصیتی استادان خود را مدنظر قرار می‌دهند و می‌توان گفت با زیرمضمون سبک نظارت استاد هم‌راستا است. با توجه به اهمیت این مسئله اولاً پیشنهاد می‌شود ایجاد نظام ارزشیابی کیفیت عملکرد استادان راهنما، مشاور و داور ایجاد گردد، دوماً ایجاد زمینه شنیده شدن، انتقادات و گلایه‌های دانشجویان از عملکرد ضعیف استاد راهنما یا مشاور ایجاد گردد.

^۱. Komba, Sctco Claudius

کثرت مسئولیت پایان‌نامه‌ها یکی از زیرمضمون‌هایی بود که باعث می‌شود استاد راهنما وقت کافی صرف پایان‌نامه و رساله دانشجویان نکند. کثرت مسئولیت پایان‌نامه‌ها توسط برخی از استادان و نتیجه‌گیر برای تعیین سقف یا سرانه برای پایان‌نامه‌ها آن هم مبتنی بر مرتبه علمی، می‌تواند یک مشکل را برطرف کند، مخاطرات دیگری را ایجاد کند. پرواضح است که لازم است دقت کافی شود تا با هدف ارتقای کیفیت، تصمیمی تک‌بعدی و مسئله‌ساز اجرایی نشود. در یک نگاه ساده و پوزیتویستی باید سهمیه برای استادان تهیه کرد که نگاهی سطحی و ضعیف است و می‌تواند دانشجویان را از استادان همراه و توانا محروم ساخته و به ناچار درگیر استادان کم‌کار یا کمتر همراه نماید و عملاً با این روش بعد منفی دیگری برجسته می‌شود که به استادان کم‌کار و کم‌کیفیت هم تعدادی دانشجوی یکسان تخصیص می‌یابد که از اصل کیفیت به دور است. برای حل این پارادوکس، می‌توان از چاله به چاه نیفتاد و هوشمندانه عمل کرد، به گونه‌ای که با ایجاد نظام ارزشیابی دقیق و منصفانه از کیفیت عملکرد استادان راهنما و مشاور و دخالت دادن نتایج این ارزشیابی‌ها در تصمیم‌گیری و تعیین تعداد پایان‌نامه‌ها به استادان می‌توان این مسئله را تعدیل کند تا اگر استادی زمان کافی برای تخصیص برای دانشجویی ندارد، عملکرد منفی‌اش به چشم آید و به ناچار از پذیرش تعداد بالای پایان‌نامه‌ها خودداری کند. در مواردی هم که استادی توان و زمان و تخصص کافی برای تخصیص به دانشجویان را دارا می‌باشد بتواند همزمان به تعداد بالایی از دانشجویان خدمات ارائه نماید. بنابراین پیشنهاد می‌شود استاد دانشگاهی باید دست کم ده مرحله باشد که هر سه سال فرد بتواند به آن برسد تا زود استادان اشباع نشوند، الآن اشباع می‌شوند، چرا که نباید مراحل دانشگاهی تنها به این ۴ سطح ختم شود: مربی، استادیار، دانشیار و استادی.

مشکلاتی که به دانشگاه، ساختار و قوانین مربوط می‌شد، از مضمون‌های اشاره شده از سوی استادان دانشگاه تهران بود که این دسته از موانع به آموزش و سیستم آموزشی دانشگاه‌ها برمی‌گردد. زمانی می‌توان از دانشجو انتظار پژوهش را داشت که آموزش‌های لازم به وی داده شده باشد، چرا که تحقیق و چگونگی طی مراحل تحقیق و دیگر جوانب پژوهش و نگارش به آموزش و تخصص نیاز دارد. یافته‌های اساسی این مطالعه این بود که استادان باید وقت کافی برای راهنمایی و مشاورت دانشجو بگذارند و در واقع به حمایت از دانشجویان پرداخته تا به نتایج مطلوب علمی دست پیدا کنند که این یافته نیز با مطالعه آگوستسن و جالدمارک (۲۰۱۳) هم‌خوانی دارد. همچنین با توجه به این‌که چیدمان برنامه‌درسی ما، چیدمان انتقال دانش است پیشنهاد می‌شود که نظام ارزشیابی دروس با هدف دادن فرصت و تخصیص بخش عمده‌ای از

1. Augustsson & Jaldmark

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

امتیاز درس به کارهای عملی و پژوهشی اصلاح شود و با توجه به این که سیستم ارزشیابی ما به جای این که پژوهشگر محور باشد تا آموزش محور، پیشنهاد می شود مکانیزم نمره دهی و اعلام نتایج دروس در دانشگاه با محوریت اعطای زمان کافی به مدرسان برای استفاده از تکالیف عملکردی و پروژه ها در ارزشیابی عملکرد تحصیلی دانشجویان، اصلاح گردد.

از دیگر مشکلاتی که از دیدگاه استادان دانشگاه تهران، دانشجویان در فرایند انجام پایان نامه با آن دست و پنجه نرم می کنند، می توان به مشکلات سازمان ها و نهادهای ذیربط اشاره کرد. چندین زیر مضمون شناسایی شده در رابطه با مشکلات سازمان ها نظیر افت جایگاه پژوهش در جامعه و همچنین حاکمیت رویکرد کمی گرایی در تدریس پژوهش و روش های پژوهش و ارائه محتوا در تمام دروس است که این مطالعات با یافته های لطف آبادی، نوروزی و حسینی (۱۳۸۶) و محمدزاده و صالحی (۱۳۹۵؛ ۱۳۹۴) هم خوانی دارد، چرا که مستندهای پژوهشی، غلبه رویکردهای پوزیتویستی و کمی گرایانه در مطالعه های پژوهشی در حوزه نظام آموزش عالی و دانشگاهی را تأیید می کند. نتیجه بررسی های لطف آبادی، نوروزی و حسینی (۱۳۸۶) نشان می دهد که حدود ۹۶ درصد از مقاله های حوزه روانشناسی مجلات علمی-پژوهشی در ایران از نوع کمی گرایانه (فلسفه استقراگرایی) است، در واقع بنیادهای معرفت شناختی و بنیادهای روش شناسی منابع و متون درسی روش تحقیق که در دانشگاه ها تدریس می شود از نوع فلسفه تحصیلی و پساتحصلی و روش کمی گرایانه است، تعداد واحدهای تدریس در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی روان شناسی و علوم تربیتی بسیار اندک است و سرفصل های تدریس استادان در کلاس ها بسیار کم تر از عنوان هایی است که در منابع علمی اصیل روش تحقیق وجود دارد، بنیادهای نظری معرفت شناسی تدریس استادان درس روش تحقیق نیز اساساً از نوع فلسفه کمی گرای تحصیلی و پساتحصلی است و به پژوهش های کیفی چندان توجهی نمی شود، دانشجویان درس روش تحقیق در سه دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی روان شناسی و علوم تربیتی با ماهیت پژوهش و بنیادهای نظری فلسفه علم در پژوهش های روانی-تربیتی آشنا نمی شوند و آموزش قابل ذکری در این مورد به آن ها داده نمی شود. با توجه به اهمیت این موضوع، پیشنهاد می شود در قدم اول به پژوهش های کیفی در کلاس درس ارج و قرب نهاد و در قدم دوم ارتباط بین دانشجو با سازمان های طرف پژوهش تسهیل گردد و در قدم آخر ارتباط سازنده بین دانشگاه با سایر نهادهای طرف پژوهش برقرار گردد.

در این مطالعه به واقعیت پایان نامه نویسی از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران پرداختیم، بنابراین شایسته است به فکر بهبود بخشیدن به شرایط موجود بود و به این وسیله کیفیت پایان نامه ها و مفید بودن آن ها را ارتقا

بخشید و از این طریق مهارت‌ها و توانایی‌های دانشجویان را برای انجام دادن پژوهش‌های آینده‌شان تقویت کرد. یافته‌های این مطالعه باعث شد که بخش عمده‌ای از مسائل و مشکلات دانشجویان در حوزه علوم تربیتی شناسایی گردد و می‌توان این موضوع را به عنوان نوآوری مقاله دانست. بررسی‌ها نشان داد که مشکلات متنوع، ضرورت بازاندیشی در شیوه آموزش روش‌های پژوهش به دانشجویان و همچنین بازنگری در برنامه‌های درسی بیش از پیش اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، بنابراین به منظور ارتقای کیفیت مطالعات انجام شده در دانشگاه‌ها و همچنین به منظور ایجاد زمینه‌های تولید دانش بومی در کشور و همچنین حرکت در راستای مرجعیت علمی در دانشگاه‌ها، ضرورت در نظر گرفتن مشکلات شناسایی شده و راهکارهای ارائه شده بیش از پیش مشخص می‌گردد. امید است این مطالعه که با هدف شناسایی و بازنمایی مشکلات در آموزش عالی انجام شده است، گامی در بازنمایی مشکلات پایان‌نامه‌نویسی دانشجویان علوم تربیتی و رهنمودهایی را برای پژوهشگران و متخصصان و مدیران برنامه‌ریزی درسی اعمال نموده باشد.

منابع

- ابوالعالی، خدیجه (۱۳۹۱)، *روش‌های پژوهش کیفی از نظریه تا عمل*. تهران: نشر علم.
- امامی‌مبیدی، علی؛ کمالی‌دهکردی، پروانه (۱۳۸۶). نقش آفرینان در نگارش پایان‌نامه‌های دانشگاهی. *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، (۲۴۵ و ۲۴۶)، ۲۳۸-۲۴۳.
- بازرگان، عباس (۱۳۹۸). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری*. تهران: دیدار.
- بهزادی، حسن و داورپناه، محمدرضا (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر تجربه پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۰ (۲) ۲۲۷-۲۵۰.
- بهی‌مهر، سارا؛ ریاحی‌نیا، نصرت؛ منصوریان، یزدان (۱۳۹۳). شناسایی مشکلات پایان‌نامه‌نویسی از دیدگاه دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی در دانشگاه‌های شهر تهران. *فصلنامه تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، ۴۸ (۱)، ۳۹-۵۹.
- پورنقی، رویا؛ خسروی، مریم (۱۳۹۷). *بررسی دانش و دلایل دانشجویان درباره سرقت علمی و آرایه راهکارهای مناسب: مطالعه موردی کاربران پایگاه علمی ایران (گنج)*. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرنداک)
- جانجانی، پریسا؛ مومنی، خدامراد؛ امیری، نادر و مرادی، آسیه (۱۳۹۸). تجربه زیسته آشفستگی زناشویی در جهان ادراکی زنان؛ مورد مطالعه: کلینیک توحید شهر کرمانشاه. *نشریه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱ (۲۷)، ۱۷۳-۱۹۶.
- جلیلی‌نیا، فروز (۱۳۸۹). *بررسی برنامه‌های درسی پنهان در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه شهید بهشتی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی.
- حسنوند، شیرین؛ اشک‌تراب، طاهره و سیدفاطمی، نعیمه (۱۳۹۳). هم‌نوایی دانشجویان پرستاری با محیط بالینی راهی برای نیل به تعلق‌پذیری: یک پژوهش کیفی. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۳ (۶۵)، ۲۳۱-۲۱۶.
- حسنوند، شیرین؛ اشک‌تراب، طاهره؛ سیدفاطمی، نعیمه و سلمانی، نیره (۱۳۹۴). تحلیل تجارب پدیدارشناختی بر اساس روش جیورجی. *فصلنامه پیشرفت در پرستاری و مامایی*، ۲۵ (۸۹)، ۷۰-۶۹.
- دلاور، علی (۱۳۹۱). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*؛ تهران: نشر ویرایش.
- دولانی، عباس؛ حسینی‌نسب، داوود و نیک‌نفس، بهروز (۱۳۸۸). روش‌های تحقیق مورد استفاده در پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال‌های ۷۵-۸۴. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران*، ۲۵ (۲)، ۱۶۹-۱۸۷.
- ذوالعدل، محمد؛ شریف، فرخنده؛ غفرانی‌پور، فضل‌الله؛ کاظم‌نژاد، انوشیروان و اشکانی، حمید (۱۳۸۵). بررسی پدیدارشناختی تجربه‌های مشترک خانواده‌های دارای بیمار روانی. *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱ (۴۴)، ۷۰-۶۷.

علی زارعی، دکتر محمد جوادی پور، دکتر کیوان صالحی

زارعی، علی (۱۳۹۸). *واکاوی مشکلات فرایند اجرای پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش بزرگسالان. شریعتمداری، مهدی (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی موانع اجرای پژوهش در میان اعضای هیأت علمی و ارائه راهکارهای کاربردی. *تحقیقات مدیریت آموزشی*. ۳ (۱)، ۴۵-۶۰.

صالحی عمران، ابراهیم؛ اقدائی، محمدحسن؛ هاشم‌خانی‌زلفانی، سرفراز (۱۳۹۱). استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه برای انتخاب استاد راهنمای پایان‌نامه دوره دکتری. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. (۶۵)، ۴۷-۶۶.

صالحی، شیوا (۱۳۹۷). *آسیب‌شناسی مدیریت زمان در ارتباط با نقش یادگیرنده در عملکرد تحصیلی در بین دانشجویان دانشکده تهران*، دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی. صالحی، کیوان؛ بازرگان، عباس؛ صادقی، ناهید و شکوهی‌یکتا، محسن (۱۳۹۴). بازنمایی ادراکات و تجارب زیسته معلمان از آسیب‌های احتمالی ناشی از اجرای برنامه ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی. *فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، ۵ (۹)، ۵۹-۹۹.

صفای‌موحد، سعید (۱۳۹۰). *تبیین تفاوت‌های چهاره‌ای پنهان (برنامه درسی پنهان) در انتخاب استاد راهنما در دانشکده‌های علوم ریاضی و علوم تربیتی*، دانشگاه تربیت معلم، رساله دکتری برنامه‌ریزی درسی.

صفای‌موحد، سعید (۱۳۹۸). *گونه‌شناسی سبک نظارت پژوهشی استادان راهنما در ایران: از تسهیل‌گری تا فرمان‌دهی! دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی*. ۷ (۱۳)، ۵-۲۸. صمدزاده، حبیب (۱۳۷۹). *بررسی عوامل مؤثر در تقدم آموزش بر پژوهش در دانشگاه‌ها از نظر اعضای هیات علمی دانشکده‌های علوم انسانی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۰-۷۹*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران. فتحی‌واجارگاه، کورش؛ عارفی، محبوبه؛ جلیلی‌نیا، فروز (۱۳۸۹). *بررسی برنامه‌های درسی پنهان در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی*. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۱ (۱)، ۹۶-۱۱۸.

فدایی عراقی، غلامرضا (۱۳۷۴). *تحلیلی بر روش‌های تهیه پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد و دکتری*. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*. ۱، ۱۱۰-۷۵. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). *دانشگاه و آموزش عالی*، تهران: نشر نی. قاسمی، مجید؛ و صالحی، کیوان (۱۳۹۷). *تحلیل پدیدارشناسانه عوامل درون سازمانی مؤثر بر استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه*. *فصلنامه سیاست و فناوری*، ۱۰ (۴)، ۳۵-۴۸. کردان، علی‌محمد (۱۳۸۹). *علوم تربیتی*، تهران: سمت. کومار، کریشان (۱۳۹۰). *روش‌های پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی (فاطمه رها دوست و فریبرز خسروی، مترجم)*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

رهیافتی پدیدارشناسانه در شناسایی مشکلات...

لطف‌آبادی، حسین؛ نوروزی، وحیده و حسینی، نرگس (۱۳۸۶). بررسی آموزش روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی و علوم تربیتی در ایران. *فصلنامه علمی - پژوهشی نوآوری‌های آموزشی*، ۶ (۱۲)، ۱۰۹-۱۴۰.

محمدزاده، زینب؛ و صالحی، کیوان (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی مطالعه‌ای با رویکرد پدیدارشناسی. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۳ (۱۱)، ۱-۲۵.

محمدزاده، زینب؛ و صالحی، کیوان (۱۳۹۵). تبیین پدیده نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی از منظر نخبگان دانشگاهی: مطالعه‌ای با رویکرد پدیدارشناسی. *راهبرد*، ۲۵ (۷۹)، ۲۲۷-۲۵۸.

منصوریان، یزدان (۱۳۸۸). صد ویژگی یک مقاله علمی-پژوهشی خوب. *ماهنامه کتاب ماه کلیات*، ۱۳ (۱)، ۷۸-۹۳.

مهرعلیزاده، یداله؛ شاهی، سکینه و حسینی، شهیده (۱۳۹۰). تلاشی برای تدوین شاخص‌های سنجش سرمایه فکری و بررسی وضعیت این شاخص‌ها در دانشگاه شهید چمران اهواز. *انجمن آموزش عالی ایران*. ۳ (۴): ۶۵-۹۶.

Akyürek, E., & Afacan, Ö. (2018). Problems Encountered During the Scientific Research Process in Graduate Education: The Institute of Educational Sciences. *Higher Education Studies*, 8(2), 47-57. <https://doi.org/10.5539/hes.v8n2p47>

Augustsson, G., & Jaldemark, J. (2013). Online supervision: a theory of supervisors' strategic communicative influence on student dissertations. *High Edu*, 67(1), 19-33. <http://dx.doi.org/10.1007/s10734-013-9638-4>

Giorgi, A. (1989) One type of analysis of descriptive data: Procedures involved in following a scientific phenomenological method. *Methods*. 1 (3), 39-61.

Goodwin-lee, Regina. (2010). *The Effects of Program Structure on Dissertation Writing in "Online Academia": A Qualitative Analysis of Online Doctoral Student Experiences*, ProQuest LLC, Ph.D. Dissertation, Walden University.

Grech, V. (2018). WASP (Write a Scientific Paper): To strive, to seek, to find and not to yield. *Early human development*, 127, 96-97.

Hennink, M. M., Kaiser, B. N., & Marconi V. C. (2016). Code saturation versus meaning saturation: How many interviews are enough? *Qualitative Health Research*, 27(4), 1-18. doi:10.1177/1049732316665344

Komba, S. C. (2015). Challenges of writing theses and dissertations among postgraduate students in Tanzanian higher learning institutions. *International Journal of Research Studies in Education*, 5(3), 71-80. <https://doi.org/10.5861/ijrse.2015.1280>

Larsson, K. (2020). *Managing Thesis Projects in Higher Education-Through Learning Analytics* (Doctoral dissertation, Department of Computer and Systems Sciences, Stokcholm University).

Lihua, M., Xiaoyan, C., & Xiaohuia, Y (2011). Evaluation method of dissertation based on Unascertained rationam-AHM. *Procedia Engineering*, 15: 4751-4756.

Morse, J. M. (2015). "Data were saturated..." *Qualitative Health Research*, 25(5), 587-588.

Nisrina, D. (2020). *The Problems Of Students In Writing Thesis At Muhammadiyah Malang University* (Doctoral dissertation, Universitas Muhammadiyah Malang).

Ogden, Evelyn Hunt. (۲۰۰۶). Complete Your Dissertation or Thesis in Two Semesters or Less, *Rowan & Littlefield Publishers, Inc.*

Oxford Living Dictionaries, Thesis | Definition of Thesis in English by Oxford Dictionaries, Oxford University Press, 2018 (cited 2018 Apr 29). Available from: <https://en.oxforddictionaries.com/definition/thesis>.